

دنیا را باید از دست هفت تیرکشا نجات داد!

محسن ابراهیمی

صفحه ۲

سوسیالیسم در خیابانهای ایران

متن سخنرانی کاظم نیکخواه در سمینار آینده ایران و جایگاه نیروهای چپ و سوسیالیست در استکھلم به تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۸

صفحه ۳

اهداف حمله ۱۴ آوریل به سوریه چه بود؟

اصغر کریمی

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

از ۸ مارس ۵۸ تا عروج دختران انقلاب

سخنرانی مهین علیپور در کنفرانس دختران خیابان انقلاب در پنجم آوریل در استکھلم

صفحه ۸

آلترناتیو سوسیالیستی در ایران و مواجهه هراسان آنتی سوسیالیستها با آن

پرسش از علی جوادی

صفحه ۱۰

پانزدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت برگزار شد

صفحه ۱۱

متن بیانیه های منتشر شده کارگری به مناسبت اول مه

صفحه ۱۲

اعتصاب عمومی و اعتراض سراسری در شهرهای کردستان

علیه فقر و بیکاری!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

اعتصاب عمومی و اعتراض در شهرهای کردستان گسترش می یابد

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۹

جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۹۷، ۲۰ آوریل ۲۰۱۸

اعتراضات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد!

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

گرامی باد روز جهانی کارگر و روز معلم!

'گروه اتحاد بازنشستگان'

صفحه ۵

۲۷ فروردین ۱۳۹۷ اعتصاب در بانه و برپایی آکسیون اعتراضی با سفره خالی! علیه بیکاری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۲

کارگران بیکار! جوانان بیکار! کولبران! مبارزه علیه بیکاری را به شیوه کارگران بیکار در بانه تکثیر کنید!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۳

مردم مریوان هم به اعتراض علیه بیکاری پیوستند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۳

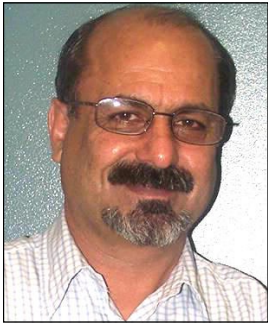
شهر سقز هم به اعتصاب عمومی پیوست

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۳

دنیا را باید از دست هفت تیر کشها نجات داد!

محسن ابراهیمی



انداخته اند. استراتژی جمهوری اسلامی عقب انداختن انفجار این بمب است. استراتژی جمهوری اسلامی این است که با تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای، قدرت متزلزل خود در ایران را حفظ کند. حفظ بشار اسد حلقه ای مهم از این استراتژی است.

اما مردمی که شعار میدهند: "سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن" این آرزو را با خود جمهوری اسلامی به گور خواهند سپرد!

اگرچه جمهوری اسلامی بقایش را به تبدیل شدن به قدرت منطقه ای به قیمت جان و زندگی میلیونها انسان در سوریه و حفظ بشار اسد گره زده است، اما همه شواهد نشان میدهد که مردم ایران دارند این مسیر را برعکس میکنند. عزم کرده اند جمهوری اسلامی را بزیر بکشند؛ به عمر یکی از مخربترین نیروهای حاضر در سوریه پایان دهند؛ خود را رها کنند و مردم سوریه را یک گام مهم به رهایی از جهنم کنونی نزدیک کنند.

اشک و ماتم غرق کردند. مساله بسیار ساده است:

پوتین نماینده روسیه ای است که میخواهد عظمت ساقط شده گذشته را بازگرداند و برای آن استراتژی روشنی دارد: حفظ بشار اسد در قدرت و ظاهر شدن در قامت یک قدرت مهم و تعیین کننده منطقه ای.

ترامپ نماینده آمریکایی است که ظاهرا قرار است افول سیاسی و اقتصادی اش با قدرت نظامی جبران شود. اما ترامپ در عین حال نماینده بی افقی این قدرت رو به افول است. نماینده سرگردان هیئت حاکمه ای است که تلو تلو میخورد. هیئت حاکمه ای که استراتژی روشنی ندارد: بشار اسد باید برود، دیگر مهم نیست برود، باید نیروی 30 هزار نفره در شمال سوریه سازمان داد، اصلا باید کل نیروها را بیرون کشید و ... این ها همه بازتابی از بی افقی و فقدان استراتژی کل هیئت حاکمه آمریکا است.

این وسط جمهوری اسلامی چه کاره است؟ جمهوری اسلامی خود روی بمب ساعتی قدرتمندی نشست است که هر لحظه ممکن است منفجر شود. مردمی که برآستی دهشت بر پیکر این نظام پوسیده

زمانی مقدس است که به اهدافی کثیف خدمت کند. وقتی لازم شود همین سینه چاکان استقلال و تمامیت ارضی اولین کسانی هستند که آن را زیر پا میگذارند.

حقوق بین الملل؟ حقوق بین الملل همیشه بازتابی از توازن قوای سیاسی میان دولتهایی است که در چهارچوب این حقوق قرار است با حقوق واقعی مردم بازی کنند.

مساله چیست؟ مساله اما نه استقلال، نه حقوق بین الملل - حتی به همان معنای رایج در دیپلماسی بین المللی - و نه به طریق اولی حقوق مردم نیست.

مساله بازی قدرت میان قدرتهای جهانی و منطقه ای است. بازی قدرت بر روی ویرانه ای باقیمانده از یک کشور که خودشان ویران کرده اند. این بازیگران کرکسهای هستند که بر فراز مردمی که قبلا قتل عام کرده اند پرواز میکنند. چه آن که بر سر این مردم بمب بشکه ای و شیمیایی میریزد و چه آن که برای قربانیان بمبها اشک تمساح میریزد. فراموش نکرده ایم که آدمخواران داعش از جعبه خونین تولید هیولاهای اسلامی همین قدرتها بیرون آمدند و زندگی میلیونها انسان را در خون و

در غیغب انداخت که "ماموریت انجام شد." همان جمله ای که جرج بوش پسر 15 سال پیش، پایان عملیات ویرانگر "شوک و وحشت" در عراق را با آن اعلام کرده بود!

حکومت و مردمی آزاد؟ کشوری مستقل؟ نقض حقوق بین الملل؟ واقعا اینها همه مردم دنیا را ابله حساب میکنند؟

البته جای تعجب نیست که سران حکومت اسلامی یک آدمکش شناخته شده و مردم تحت سرکوش را "حکومت و مردمی آزاد" خطاب میکنند. اینها قبلا چشم در چشم مردم جهان دوخته اند و گفته اند جمهوری اسلامی آزادترین کشور است!

کشوری مستقل؟ 15 سال پیش آمریکا کشوری مستقل به نام عراق را تماما با خاک یکسان کرد. 4 سال پیش پوتین شبه جزیره کریمه، بخشی از یک کشور مستقل به نام اوکراین را تماما به روسیه منتظم کرد. همین حالا ارتش ترکیه، دومین ارتش ناتو در عفرین اشغالی است که بخشی از "کشور مستقل" است. و بالاخره همه این عشاق سینه چاک استقلال، جنگ میان خود را به طور نیابتی در کشوری دیگر پیش میبرند. استقلال و تمامیت ارضی

لانهای محل چگونه با هم تصفیه حساب میکنند؟ رجز میخوانند؛ ماهیچه به هم نشان میدهند؛ چاقو کشیهایشان را به رخ میکشند، و بالاخره وقتی به جان هم میافتنند تمام تلفاتشان میتواند لت و پار کردن همدیگر باشد.

داستان لانهای حاکم بر دنیا اما فرق میکند. سلاح اینها پنجه بوکس و چاقو نیست. موشک است؛ بمب شیمیایی است؛ بمب بشکه ای است؛ کلاهک اتمی است. لات بازی اینها جان و زندگی و امنیت میلیونها انسان بی گناه را به بازی میگیرد. دنیا را باید از دست اینها نجات داد.

دونالد ترامپ، پیش از حمله موشکی به سوریه تویت کرد: "آماده باشید، موشک ها می آیند!" پوتین آن را "تجاوز به حکومت مشروع و مستقل سوریه و نقض منشور سازمان ملل متحد خواند!" خامنه ای مثل همیشه رجز خواند و روحانی حرف پوتین را تکرار کرد: "عدای به بهانه‌های واهی به کشوری مستقل که دارای حکومت و مردمی آزاد است، حمله می کنند!" و بالاخره "موشکها آمدند"، اهدافی را ویران کردند و ترامپ باد



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

سوسیالیسم در خیابانهای ایران

متن سخنرانی کاظم نیکخواه در سمینار "آینده ایران و جایگاه نیروهای چپ و سوسیالیست در استکهلم به تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۸"



آینده ایران و جایگاه نیروهای چپ و سوسیالیست

کاظم نیک خواه
حزب کمونیست کارگری ایران

میگوید من "فتنه گرم". اگر اعتراض به حقوقهای نجومی فتنه است، من فتنه گرم. اگر اعتراض به تبعیضات و حجاب فتنه است من فتنه گرم. این یعنی چه؟ یعنی مبارزه زندانی سیاسی به مبارزه علیه مذهب گره خورده، به مبارزه علیه حقوقهای نجومی گره خورده، به مبارزه علیه فلاکت عمومی گره خورده است. این جنبش را چیز دیگری جز يك جنبش چپ و سوسیالیستی نمیتوان اسم گذاشت. جز يك اعتراض سوسیالیستی، که اعتراض به تمایزات و امتیازات طبقاتی است نمیتوان این را اسم گذاشت. میدانم که در فرهنگ سنتی چپ وقتی که از جنبش سوسیالیستی اسم میبرند يك معانی و خصوصیات ویژه تری را به آن میدهند. فعلا به این تعاریف سنتی کاری نداشته باشیم و به مضمون جنبش توده ای جاری توجه کنید. مضمون این جنبش چپ است. در عین حال این جنبش يك ضعف جدی که دارد اینست که خودش خود را اینگونه نمی بیند. اینهم يك ایراد جدی است. من وقتی میگویم این جنبش سوسیالیستی است روشن است که منظورم این نیست که هرکس که در خیابان اعتراض میکند سوسیالیست است. این يك درک سطحی از جنبش های اجتماعی است. بلکه منظورم اینست که فرض آن کارگرانی که بیست سال وسی سال است برای

مصادره کنند. اما این ما کمونیستها هستیم که این جنبش را به آزادی بیان، آزادی بی قید و شرط بیان و آزادی اعتصاب گره زده ایم. جنبش آزادی زندانیان سیاسی از خاوران شروع شد. از اعتراضات مادران خاوران شروع شد. از سال شصت شروع شد. این جنبش به آزادی اعتصاب، به آزادی تحزب و تشکل و به آزادی بیان گره خورده است. حرف من اینست که در ایران يك جنبش و اعتراض همه جانبه و عمیق دارد میجوشد. ایران جامعه ای است ضد مذهب. مردم میگویند مذهب ابزار مفتخوری است. ایران جامعه ای است طرفدار آزادی بیان. میگوید زندانهای سیاسی را قبول ندارم. این يك جنبش واقعی، قوی و وسیع در این جامعه است. ایران جامعه ای است طرفدار آزادی زن. به حرکت "دختران خیابان انقلاب" توجه کنید. این دختران موقعی که حرف میزنند، در همین کنفرانس اخیر "انقلاب زنانه" و جاهای دیگر وقتی حرف میزنند، میگویند ما فقط به حجاب اعتراض نداریم به کل تبعیضات اجتماعی اعتراض داریم. منظورم اینست که جنبش کارگری، جنبش بازنشستگان، جنبش مالباختگان، جنبش آزادی زندانیان سیاسی، جنبش ضد مذهبی و جنبش علیه اعدام به هم گره خورده و يك حرکت واحد را میسازند. آتنا دانشی فعال حقوق کودکان و زندانی سیاسی از داخل زندان پیام میدهد و

بازنشسته، مالباخته و معلمان موقعی که به خیابان می آیند، يك سری شعارها در اعتراضاتشان تکرار میشود. "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی"، "اگر که من نبودم تو اون بالا نبود". کارگر به زبان ساده ای دارد به سرمایه داران میگوید اگر من نباشم شما هیچ نیستید. و پایین تان میکشیم. این حرف مارکس است. درست است از کف خیابان و از موضوعات روز آن جامعه بیرون آمده، اما اعتراضی است که کاملا سوسیالیستی است. و این زمینی بودن و واقعی بودن ایده سوسیالیسم را نشان میدهد. يك فاکتور مهم در ایران جنبش ضد مذهبی منحصر بفردی است که هیچ کجا در این ابعاد و با این عمق دیده نمیشود. اعتراض به مذهب در جامعه بسیار عمیق و وسیع است. در جامعه ایران يك جنبش توده ای و وسیع ضد مذهبی وجود دارد که صرفا علیه مذهب بعنوان يك تفکر و خرافه نیست، بلکه میگوید مذهب ابزار و صنعت دزدی است. ابزار مفتخوری است. عمامه در ایران علامت مفتخوری است. در خدمت سرمایه داران است. در افکار عمومی مردم ایران امروز مسجد و تکیه و آخوند و آیت الله نشانه دزدی و مفتخوری از سفره مردم شناخته میشوند. و اینها بسیار مهم است دوستان عزیز. دیدن اینها مهم است. یا جنبش آزادی زندانیان سیاسی را تصور کنید. برخی جریانات راست و اسلامی سعی میکنند با شرکت در آن آترا

کارنامه قابل قبولتری داشته باشند. بنابراین از این نظر هیچ تردیدی فکر نمیکنم از نظر هیچ کس وجود داشته باشد. اما من اینجا میخواهم روی فاکتور سومی تاکید و مکث کنم. و آن وجود يك گرایش قدرتمند، توده ای، تاریخی و رشد یابنده است که خیلی شاید دیده نمیشود. عده ای آترا نمی بینند و عده ای تعمدآ آترا انکار میکنند. و آن يك گرایش، يك تحرك و يك جنبش وسیع ضد سرمایه داری و ضد تبعیض طبقاتی است که من اسم آترا يك جنبش توده ای سوسیالیستی میگذارم. این جنبش فقط ضد جمهوری اسلامی نیست. يك جنبش، يك جنب و جوش، يك حرکت، يك فعالیت وسیع در تمام ابعاد جامعه جریان دارد که اعتراضات اعتراض من و شماست. اعتراض سوسیالیستهاست. هدف این جنبش فقط سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان "رژیم آخوندی" انطور که برخی جریانات راست میگویند نیست. شما به اعتراضات بخشهای مختلف جامعه نگاه کنید. کل اعتراضات را جلوی خود بگذارید. ساعتها میشود در مورد آن صحبت کرد. کارگری که میخواهد حقوق معوقه اش را بگیرد حرفش دیگر فقط این نیست که حقوق پرداخت نشده ام را بدهید تا بروم خانه. میگوید "اون کارخانه مال ماست. پدران ما آترا ساخته اند و از دستتون میگیریم". میگوید کارخانه را ما خودمان کنترل و اداره میکنیم. شعار "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" فقط اعتراض به فقر نیست. اعتراض به تبعیض طبقاتی است. و اعتراض به تبعیض طبقاتی، مخالفت با تبعیض طبقاتی، مقابله با تبعیض طبقاتی فقط متعلق به سوسیالیستها و کمونیستهاست. هیچ جریان راستی نیست که طرفدار این نباشد که يك اقلیت مفتخوری آن بالا بنشینند، بچاپند و اکثریت مردم را سرکیسه کنند. در بهترین حالت میگویند سرمایه داری باید رشد کند و سود آور شود و بعد يك لقمه نان به اکثریت مردم میدهیم. ولی کارگر،

با تشکر از دوستانی که برای برگزاری این سمینار زحمت کشیدند. اولین نکته ای که من میخواهم اینجا اشاره کنم اینست که در اوضاع سیاسی ایران دو چیز، دوفاکتور روی میز آمده است و الان دیگر کسی را نمیشود دید که آنها را انکار کند. یکی سرنگونی جمهوری اسلامی است و یکی انقلاب است. انقلاب مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی. این دوتا یکی نیستند. میدانیم که بحث سرنگونی در مقطعی در فضای سیاسی ایران بود اما از طریق "رژیم چنج"، کودتا، و سیاست دولتها، و کمترین احتمال انقلاب مردم بود. آن دوره به هرحال همانگونه که میدانیم گذشت. اما امروز هرکسی میتواند ببیند که انقلاب در چشم انداز نزدیک اوضاع سیاسی ایران دیده میشود. این را خامنه ای می بیند، تاج زاده می بیند، شیرین عبادی می بیند و کل مردم از آن صحبت میکنند. شما امروز با هرکسی در ایران صحبت کنید متوجه میشوید که مردم ایران به این نتیجه رسیده اند که جمهوری اسلامی باید سرنگون شود تا مردم به حداقل زندگی انسانی دست پیدا کنند. در عین حال مردم وسیعا به این باور رسیده اند که میتوانند این حکومت را سرنگون کنند. و این بسیار مهم است. هیچ دیکتاتوری، هیچ حکومت سرکوبگری در تاریخ وجود نداشته است که وقتی اکثریت مردم يك کشور تصمیم میگیرند از شرش خلاص شوند، بتواند از سرنگونی فرار کند. من شخصا ندیده ام، نشنیده ام و در تاریخ خوانده ام. خود جمهوری اسلامی هم به زبانهای مختلف دارد اعتراف میکند که رفتنی است. يك عده از حکومتی ها دارند ابزار ندامت میکنند، به اشکال مختلف سعی میکنند کارنامه بهتری برای آینده خودشان دست و پا کنند. حتی کسانی مثل احمدی نژاد دارند تلاش میکنند با تعرض به خامنه ای نه اینکه رژیم را اصلاح کنند، بلکه سعی میکنند در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی در برابر مردم، در دادگاههای مردمی

گرفتن حقوقهای زیر خط فقرشان ناچار شده اند بچنگند مطمئن باشید و معلوم است که اگر حتی همه حقوقهایشان را بدهند به خانه هایشان بر نمیگردند و راضی نمیشوند. این برایشان کافی نیست. کارگر میگوید چرا من در جامعه ای زندگی کنم که برای نقد کردن دستمزد چهار بار زیر خط فقرم ناچار باشم بیست سال بچنگم؟ و اگر نچنگم به من نمیدهند. میگوید من به این دلیل هم شده کل این سیستم ضد انسانی را قبول ندارم. این فضای جامعه ایران است که بسیار هیجان انگیز است، بسیار تاریخی است. و این جامعه میتواند تحوّل را ایجاد کند که نه فقط جمهوری اسلامی سرنگون شود بلکه کل فضای خاورمیانه را تغییر میدهد.

ببینید! وقتی جمهوری اسلامی سرکار آمد فقط يك باند تبهکار (آنطور که رضا پهلوی و امثالهم میگویند) نبود. فقط يك حکومت نبود. يك جنبش بود. يك جنبش اجتماعی کثیف و ارتجاعی و قرون وسطائی به صحنه سیاست دنیا سوق داده شد تا دنیا را به فقرها ببرد. يك جنبش اسلامی ارتجاعی و مافیای سرمایه داری. در مقابل این حکومت و این جنبش، يك جنبش انسانی شکل گرفت که کاملاً نقطه مقابل آن بود. يك جنبش انسان دوست، ضد تبعیضات طبقاتی، ضد اعداء، ضد مذهب، ضد مفتخوری و کلا ضد حاکمیت يك اقلیت. این جنبش در آن جامعه بطور جلی وجود دارد. این جنبش نه فقط حرف آن هزاران کارگر و بازنشسته ای که به خیابان می آیند، بلکه حرف دل میلیونها نفر در جامعه است. بازنشستگانی که اعتراض میکنند و میگویند 'اسلامو پله کردین مردمو ذله کردین' حرف دل میلیونها نفر را در دارند میزنند که به اشکال مختلف، فردی و جمعی دارند نقش اسلام و نهادهای اسلامی در خدمت به مفتخوران را می بینند و به آن اعتراض میکنند.

من این بحث را نمیکنم که نتیجه بگیرم که ما چپها برویم دست روی دست بگذاریم و خوش خیال باشیم. فکر نمیکنم هیچ کمونیستی با نشین این حرف که جامعه چپ شده بگوید بسیار خوب پس من

میروم میخوابم. برعکس. انرژی میگیرد که برود يك کارهایی بکند که این نیرو و این جنبش قوی تر شود. فرصت زیادی برای بازکردن این بحث اینجا نیست. فقط این را هم اینجا تاکید کنم که من شخصا شانس زیادی برای قدرت گیری راست در جامعه در شرایط کنونی در ایران قائل نیستم. رسانه هایی مثل بی بی سی و کل مدیای بورژوازی مدام جریانات راست را تبلیغ میکنند و وانمود میکنند که گویا راستها دارند می آیند. جامعه ایران دیگر هیچ شکلی از سلطنت را نمی پذیرد. هیچ شکلی از سلطه مذهب را نمی پذیرد. حتماً راست ایستگاههایی را تدارک می بیند. توطئه هایی را برای قدرت گرفتن به اجرا میگذارند. باندها و دارودسته های خوش خط و خالی را جلوی مردم میگذارند. که مردم را فریب دهند. اما مطمئنم جامعه ای که عمیقاً به تبعیض و به مافیای اقتصادی و به مذهب و به سیستم سرکوب اعتراض دارد، و سی چهل سال است که علیه اینها جنگیده نمیتواند دیگر يك حکومت موروثی و مذهبی و اقلیت مفتخور را قبول کند.

در آخر بگویم که ما چپها وظیفه مان اینست که به این جنبشی که وجود دارد و جریان دارد تعیین بدهیم. به این جنبش اسم خودش را بدهیم. یعنی کاری کنیم که این جنبش به عنوان يك جنبش چپ و سوسیالیستی شناخته شود. ما باید به مردم معترض نشان دهیم که پاسخ 'حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی' یعنی کنار زدن این ها، ما کمونیستها هستیم. ما هستیم که میتوانیم جامعه ای بسازیم که در آن دیگر دیکتاتوری و سرکوب و زندان و اعدام برای همیشه تمام شود و دیگر کسی فرزندش را، پدرش را، مادرش را و عزیزانش را با اعدام و زندان از دست ندهد. ما هستیم که میتوانیم جامعه ای بسازیم که اساسش انسانیت و منزلت انسان باشد، پاسخ به نیازهای اساسی انسانی باشد نه سود و مفتخوری. نه چپاول. هیچ جریان دیگری نمیتواند جواب این جامعه را بدهد. این وظیفه امروز ماست. و این وظیفه ماست که این جامعه را جلوتر بیاوریم. مردمی که هرروز دارند به چپاول و ارتجاع

کشیف سرمایه داری اعتراض میکنند باید بدانند که اسم جنبش شان جنبش چپ است. جنبش سوسیالیستی است. باید ببینند که کمونیستها آنها را نمایندگی میکنند. کمونیستها صدای آنها هستند. کمونیستها بخشی جدایی ناپذیر از اعتراض آنها هستند. این وظیفه ای است که ما داریم و ما تلاش میکنیم که این وظیفه را به بهترین نحوی انجام دهیم. من فکر میکنم وقتی که مساله تعیین تکلیف قدرت سیاسی بطور

مشخص روی میز می آید، این جامعه چپ خودش را انتخاب میکند. چپی که این صدا را شنیده باشد. آن چپی که این جنبش را نمایندگی کرده باشد. آن چپی که خودش را به اعتراض دختران خیابان انقلاب، به جنبش کارگری، به جنبش مالباختگان، به جنبش بازنشستگان، به جنبش آزادی زندانیان سیاسی، به جنبش علیه اعدام وصل کند و به این جنبش جایگاه خودش را نشان دهد. بقرول نیما یوشیج 'او میدهد همه را با همه

اعتراضات کارگری در سراسر کشور ادامه دارد!

۲۱ فروردین

تجمع کارگران چاپخانه جامجم مازندران
روز ۲۱ فروردین کارگران بیکار شده چاپخانه جامجم مازندران مقابل استانداری مازندران دست به تجمع اعتراضی پیروز شدند. سهمیه روزنامه چندین استان کشور در این چاپخانه چاپ می شد. گفته میشود که افزایش قیمت دلار و افزایش هزینه مواد چاپ و کاهش تیراژ روزنامه ها موجب تعطیلی این چاپخانه و بیکاری ۴۵ کارگر شده است.

۲۲ فروردین

اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه ماشین سازی اراک
کارگران پیمانی ماشین سازی اراک در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیده و ابتدا به طرف دفتر مدیریت رفتند و سپس تصمیم گرفتند به سه راه خمین بروند و جاده را مسدود کنند. جنبش علیه بیکاری گسترده تر میشود!

متقاضیان کار عسلیویه و کنگان در اعتراض به بیکاری و با خواست اشتغال در مقابل اداره اشتغال منطقه ویژه پارس جنوبی تجمع کردند. متقاضیان کار عسلیویه کمپینی با به راه انداختن 'کمپین بیکاران پارس جنوبی' خواهان اشتغال در پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی هستند. آنها میگویند از اینهمه مراکز کاری در این منطقه فقط آلودگی محیطی نصیبشان شده است.

ادامه اعتراضات کارگران

پالایشگاه گاز ایلام
کارگران 'شرکت پالایش گاز ایلام' با پهن کردن سرفه خالی اعتراض خود را به اخراجها، به عدم پرداخت طلبهایشان و به فقر و بیکاری اعلام داشتند.

۲۳ فروردین

تجمع کارگران راه آهن دامغان و جلوگیری از حرکت قطار
کارگران راه آهن دامغان در اعتراض به عدم دریافت حقوق سال ۹۶ دست به تجمع زدند و جلوی عبور قطار را گرفتند.

اعتصاب کارگران واحد لوله سازی گروه مسلی فولاد
کارگران واحد لوله سازی گروه ملی اولتیماتوم داده اند که در صورت ادامه ارباب و سرکوب کارگران، دست به اعتراضات گسترده تری خواهند زد. در سال جدید مدیریت این کارخانه با ایجاد فضای امنیتی تلاش میکند کارگران را از ادامه اعتراض برای پیگیری سایر خواستهای خود عقب بزند. از جمله روز ۲۲ فروردین یکی از کارگران گروه ملی اهواز به نام حافظ کنعانی به پلیس اطلاعات و امنیت احضار و پس از چند ساعت بازجویی آزاد شد. روز ۲۳ فروردین نیز پلیس به درب منزل سه نفر از کارگران گروه ملی فولاد اهواز مراجعه کرد که هر سه آنان در منزل حضور نداشتند. از سوی دیگر کارفرما برای فشار به کارگران از روز ۲۲ فروردین کارت ورود به شرکت تعدادی از کارگران از جمله کریم سیاحی، پیمان شجراتی، رحیم سعیدی و حامد باصری را مسدود کرده و حراست مانع از ورود

نشان". کمونیستها باید مردم را به خود مردم نشان دهد. جایگاه و معنی اعتراضات مردم را به خود مردم باید نشان دهیم. این وظیفه ای است که ما داریم و من بسیار خوشبینم که ما بتوانیم جامعه ایران را از یک پیچ تاریخی عبور دهیم و بجای برسانیم که دیگر سرکوب و مذهب و خانواده هزار فامیل و آیت الله های میلیاردر را در وسط صحنه سیاسی ایران نبینیم. تشکر میکنم.

آنها به کارخانه شد.

۲۴ فروردین

اعتراض کارگران پالایشگاه گاز ایلام برای بازگرداندن به کار همکاران اخراجی

کارگران پالایشگاه گاز ایلام سه روز دست به اعتصاب و تجمع زدند و موفق شدند ۷ همکار اخراجی شان را به کار بازگردانند. اعتراض کارگران برای بازگشت به کار ۴ کارگر اخراجی دیگر ادامه دارد. به کارگران وعده داده شده است که در جلسه روز یکشنبه ۲۶ فروردین این موضوع با مدیریت مطرح خواهد شد. کارگران پالایشگاه همچنین به م قراردادهای موقت کاری اعتراض دارند و خواهان تغییر وضعیت استخدامی خود هستند.

تجمع کارگران بیکار در

عسلیویه و کنگان

جوانان بیکار عسلیویه و کنگان در روستای زهریه شهر هویزه دست به تجمع زدند و خواهان کار در شرکتهای نفتی شدند.

حزب کمونیست کارگری

کارگران را فرامیخواند که خود را برای دست زدن به تجمعات و اعتصابات سراسری علیه دستمزدهای چندبار زیر خط فقر و علیه بیکاری و بیحقوقی آماده کنند.

زنده باد اول ماه مه

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه

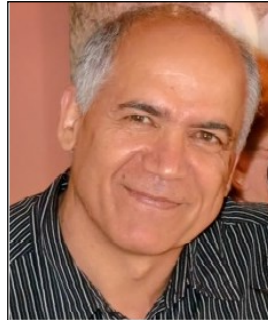
حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ فروردین ۱۳۹۷، ۱۴

آوریل ۲۰۱۸.

اهداف حمله ۱۴ آوریل به سوریه چه بود؟

اصغر کریمی



اینکه چرا دولت روسیه به تهدیدات خود در مقابل این حمله عمل نکرد، دلیل اصلی اش موقعیت مسلط این دولت در سوریه است. دولت روسیه نیازی به پاسخگویی نظامی نداشت و همانطور که گفته شد، حمله به سوریه از نظر نظامی فاکتوری را تغییر نداد و موقعیت روسیه را تضعیف نکرد. اهداف این حمله طوری انتخاب شده بود که کمترین حساسیت را در روسیه ایجاد کند. کشمکش سیاسی و نظامی در منطقه ادامه خواهد یافت. هر دو قطب سیاست های ضد مردمی و کثیفی دنبال میکنند. هر کدام برای تقویت موقعیت خود جنایتکارترین دولت ها و نیروها را تقویت میکنند. یکی استفاده از سلاح شیمیایی را نادیده میگیرد و طرف مقابل حمله وحشیانه به مردم عفرین و اشغال کرکوک را، یکطرف از دولت اسد و جمهوری اسلامی حمایت میکند و طرف دیگر از دولت عربستان و هر دو طرف برای تضعیف طرف مقابل دار و دسته های جنایتکار اسلامی تربیت میکنند و به جان مردم می اندازند. خارج شدن از این دور تسلسل جنایت و ارتجاع، در گرو به میدان آمدن جنبش های پیشرو و سوسیالیستی در منطقه و بسیج افکار عمومی بین المللی در حمایت از این جنبش ها است. سرنگونی جمهوری اسلامی و شکل گیری حکومتی سکولار که آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی مردم در سرلوحه اش باشد نقش تعیین کننده ای در برگشتن ورق به نفع بشریت متملن در این منطقه خواهد بود.

های فرانسه و انگلیس اتحادیه اروپا و دولت کانادا حمله ۱۴ آوریل را مورد حمایت قرار داده اند. دولت ترکیه نیز از این حمله حمایت کرده و عملاً در این زمینه خود را در مقابل روسیه قرار داده است. این عکس العمل با توجه به اغماض دولت آمریکا در مقابل حمله ارتش ترکیه به عفرین، قابل پیش بینی بود. دولت عربستان نیز چند روز قبل از حمله به سوریه بخشی از هزینه حضور آمریکا در سوریه را بعهده گرفته بود و اکنون میتواند به حضور دولت آمریکا که با حمایت اروپا همراه است، پشتگرمی بیشتری داشته باشد. و با توجه به این دو فاکتور، دولت روسیه علیرغم اینکه دست بالا را در سوریه دارد، اما نمیتواند نقش آمریکا را نادیده بگیرد. با اینهمه، موفقیت اقدام ۱۴ آوریل بستگی به روندهای سیاسی در عراق و ترکیه دارد. دولت آمریکا و دول غربی تلاش میکنند که موقعیت از دست رفته خود در منطقه را بازیابند و در مقابل روسیه صف آرای محکم تری ایجاد کنند. در این چهارچوب مهمترین فاکتور تحولاتی است که در ترکیه و عراق جریان دارد. دولت ترکیه در یکی دو سال گذشته از آمریکا دور شده و به روسیه نزدیک شده است. اغماض دولت آمریکا از حمله ترکیه به عفرین امتیازی بود که دولت آمریکا به اردوغان داد تا حمایتش از سایر سیاست های آمریکا در منطقه را جلب کند. در مورد عراق نیز دولت آمریکا همین سیاست را در جریان اشغال کرکوک توسط ارتش عراق اتخاذ کرد تا بدینوسیله جاپای خود را در تحولات عراق و انتخاباتی که در پیش است محکم کند. حمله به سوریه را باید در این چهارچوب بررسی کرد. باید دید این اقدام تا چه حد بر موقعیت آمریکا در ترکیه و عراق و کل منطقه موثر خواهد بود و نهایتاً این دو دولت در صف بندی های سیاسی کجا قرار خواهند گرفت.

حمله موشکی نیروهای آمریکا، فرانسه و انگلیس که با توجیه حمله شیمیایی اسد در شهر دوما صورت گرفت، اساساً هدفی سیاسی داشت تا نظامی. این حمله از قبل اعلام شده بود و دولت سوریه از آمادگی کافی برای انتقال هواییها و برخی تجهیزات نظامی و نیروی نظامی خود برخوردار بود. دولت آمریکا مدعی است که موشک های شلیک شده از طرف ارتش سه کشور آمریکا، انگلیس و فرانسه به سه پایگاه تحقیقات شیمیایی، انبار مواد شیمیایی و یک پایگاه فرماندهی در سوریه اصابت کرده اند و به این تالیسات ضربات قابل توجهی وارد کرده اند. این دولت ها تاکید کرده اند که این حمله محدود بوده و برنامه ای برای ادامه آن وجود ندارد. صرف نظر از اینکه این موشک ها چقدر خسارت به بار آورده باشند، اما یک چیز روشن است و آن اینکه نوع حمله که با اعلام قبلی صورت گرفته و به فرض اینکه همه موشک ها نیز به اهداف تعیین شده برخورد کرده باشند، نمیتواند خسارات تعیین کننده نظامی داشته باشد و هدف نیز این نبوده است. علاوه بر این در مقطع کنونی دولت آمریکا و متحدینش در موقعیتی نبودند که به حمله نظامی گسترده ای دست بزنند و با روسیه سرشاخ بشوند. حمله ۱۴ آوریل اساساً هدفی سیاسی داشت و بخشی از یک استراتژی همه جانبه تر است. دولت آمریکا سه هدف سیاسی را در این حمله دنبال میکند: همراه کردن دول غربی و قدرت نمایی سیاسی در مقابل بلوک روسیه، اعلام این مساله که آمریکا از سوریه دست نداشت و یک پای تحولات در این کشور است و روسیه نمیتواند یکجانبه در مورد سوریه تصمیم گیری کند و نیز نشان دادن قدرت و اراده خود برای حضور در منطقه به منظور تنها نگذاشتن متحلین خود از حمله عربستان، جلوگیری از دور شدن ترکیه و تحکیم موقعیت در عراق. علاوه بر دولت

گرامی باد روز جهانی کارگر و روز معلم!

امسال جامعه ما در حساس ترین شرایط تاریخی به استقبال روز کارگر و معلم می رود و اجحاف بر تمامی زحمتکشان و مزد بگیران از حد گذشته است. (روز جهانی معلم ۳ امهر است اما در ایران با توجه به کشته شدن دکتر خانعلی معلم مبارز ۲۹ ساله در تجمع معلمان به دست عوامل سرکوبگر محمدرضا شاه در ۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ این روز به نام روز معلم اعلام شد اما پس از انقلاب تغییر یافت)

حقوق کارگران، معلمان، بازنشستگان و... چندین برابر زیر خط فقر قرار دارد و در بسیاری موارد ماههاست که پرداخت نشده است!!!!

طبق آمار بیش از ۳۰ درصد مردم ایران در زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند.

بیمه ها کارآمد نیستند و فقط نامی از آنها باقی است و مافیاهای سودهای هنگفتی تحت نام بیمه های گوناگون به جیب می زنند و به زحمتکشان جامعه آسیب می رسانند.

بیکاری، گرانی، عدم امنیت اجتماعی در جامعه گسترش یافته است. روزانه به تعداد کودکان بازمانده از تحصیل که راهی شهرها و خیابانها می شوند اضافه می گردد، آلودگی هوا و محیط زیست بیداد می کند و همه اینها در حالی است که روزنامه ها خبر از اختلاس و دزدی های گوناگون می دهند.

طی سال ۹۶ خواسته های معلمان، کارگران و بازنشستگان همچنان بدون پاسخ ماند و ما در

دی ماه سال ۹۶ شاهد اعتراضات گسترده مردمی بودیم زیرا که هر سال از لایه های میانی جامعه به طبقات محروم افزوده می شود و به دلیل همسویی ما با این مطالبات ضروری است که پیگیر خواسته های خود به شرح زیر باشیم:

۱. اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری بدون تغییراتی که سال قبل دولت به ضرر بازنشستگان وارد آن کرده است.
۲. دستمزد حداقل به میزان ۵ میلیون تومان در ماه برای یک خانوار لغرفی
۳. کوتاه شدن دست دولت از صندوق تامین اجتماعی (حذف بند ز تبصره ۷ از قانون بودجه ۹۷) و شفاف نمودن وضعیت صندوق ها
۴. پرداخت بدهی دولت به صندوق های بیمه (تامین اجتماعی و ذخیره فرهنگیان)
۵. چهل ساعت کار با پنج روز در هفته
۶. محو خصوصی سازی آموزش
۷. نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی
۸. حذف بیمه های تکمیلی و احیای بیمه های پایه
۹. صندوق ها در هر شرایطی که هستند دولت موظف است حقوق مزدبگیران را بدون تاخیر پرداخت نموده و هزینه بیمه ها را پرداخت نماید.
۱۰. داشتن حق تشکل مستقل
۱۱. آزادی زندانیان صنفی و سیاسی

گروه اتحاد بازنشستگان"

تراکت های حزب

کمونیست کارگری ایران

را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران

پیوندید



کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

کارگران با بیانیه هایشان به استقبال روز جهانی کارگر میروند

۵ تشکل کارگری: نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گسرو اعتراضات سراسری ماست!

جنب و جوش برای برگزاری اول مه روز جهانی کارگر بالاگرفته است. ۵ تشکل کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، سندیکای نقاشان استان البرز، کانون مدافعان حقوق کارگرو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل کارگری ایران در بیانیه ای تحت عنوان "بیانیه تشکل های مستقل کارگری پیرامون اوضاع حاکم بر کشور و فرارسیدن اول مه، روز جهانی کارگر" و گروه اتحاد بازنشستگان در بیانیه دیگری تحت عنوان "گرامی باد روز جهانی کارگر و روز معلم، به استقبال روز جهانی کارگر می روند. در بخش پایانی بیانیه ۵ تشکل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر با تاکید بر اعتراضات سراسری متحد کارگران برای نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت چنین آمده است: "اول ماه مه روز جهانی کارگر پیش روی ما کارگران است. این روز، روز ماست. روز اعتراض و اتحاد ما علیه ستم و بردگی در سرتاسر جهان است. ما می توانیم و باید در جای جای کشور دستهایمان را در دست همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهایی از فقر و فلاکت، نیروی به هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان، معلمان، کشاورزان و عموم توده های آزاده مردم ایران، گام های تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مشقات و مصائب موجود و بن بست اقتصادی سیاسی کشور برداریم. نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گسرو اعتراضات سراسری ماست. پیش به

سوی اعتراضات گسترده در اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر". تاکید بر اعتراضات سراسری متحد کارگران برای رهایی از جهنم موجود، تاکید مهم بیانیه ۵ تشکل کارگری است. در کردستان و شهرهای مرزی غرب کشور در ادامه خیزش دیماه، اعتصاب عمومی دارد گسترش می یابد. فضای پر تحرک جنبش کارگری و کل جامعه بیش از هر وقت بر ممکن بودن رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری تاکید میگذارد. با تدارک وسیع این اعتراضات به استقبال روز جهانی کارگر برویم.

گروه اتحاد بازنشستگان نیز در بیانیه خود با بیان اینکه امسال جامعه در حساس ترین شرایط تاریخی به استقبال روز کارگر و معلم می رود و با اشاره به اینکه حقوق کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخشی عظیمی از جامعه زیر خط فقر است و در بسیاری از موارد ماههاست که پرداخت نشده است و اینکه ابعاد فقر، بیکاری و بی تأمین بیسود میسر می کند، بر خواستهایی چون حداقل دستمزد ۵ میلیون، محو خصوصی سازی آموزشی، داشتن حق تشکل، آزادی زندانیان سیاسی و صنفی و حق داشتن بیمه های پایه ای تاکید کرده است. بیانیه های کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر و خواسته های مورد تاکیدشان، صدای اعتراض همه کارگران و کل جامعه است.

یک خواست محوری امروز کارگران حداقل دستمزد ۵ میلیون است. ۵ تشکل کارگری امضاء کننده بیانیه به مناسبت اول ماه مه در بیانیه قبلی خود بر آن تاکید کرده بودند. در همین راستا تشکلهای کارگری دیگر نیز بیانیه داده و ۷۰ انجمن صنفی کارگران ساختمان با هزاران عضو به دستمزد های زیر خط فقر اعتراض کرده اند. اعلام این خواست در آستانه اول مه، بطور

واقعی اعتراضات کل جامعه علیه فقر و فلاکت حاکم و علیه حقوقهای نجومی و بساط دزدسالاری حاکم را نمایندگی میکند.

بعلاوه، یک تاکید بیانیه های اول مه بر اتحاد کارگران، معلمان و بخش های عظیم مردمی است که فقر و فلاکت زندگیشان را به تباهی برده است. امروز کارگران و معلمان و مردم معترض با شعار معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، یک زندگی انسانی را فریاد میزنند.

بیانیه ها و قطعنامه های مشترک کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر، بیانیه های نهادهای مختلف اجتماعی چون نهادهای دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق زن، فعالین محیط زیست، فعالین دفاع از زندانیان سیاسی، فعالین علیه اعدام، انجمن های صنفی مختلف، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، بیانیه های گروههای مبارزاتی شکل گرفته در مدیای اجتماعی در عرصه های مختلف مبارزه و بیانیه ها و پیامهای چهره های سرشناس کارگری همه و همه بستر راه اندازی گفتمان در مورد روز جهانی کارگر به عنوان روز کيفرخواست علیه سرمایه داری و اعلام خواستها و مطالبات ما به مناسبت این روز است.

با توجه به فضای پر تحرک سیاسی جامعه که از دیماه وارد فاز جدیدی شده است و با توجه به اعتراضات وسیع کارگری، میتوان اول مه گسترده تر از سالهای قبل در ایران را شکل داد.

روز جهانی کارگر فرصت مناسبی است برای همه کارگران و همه مردم معترض که به میدان آیند و اعتراضاتشان را علیه جهنم سرمایه داری حاکم اعلام کنند. مراکز چون هیکو، آذر آب و آوانگان در اراک، گروه فولاد ملی در اهواز، نیشکر هفت تپه، ماشین سازیها، آلومنیوم بندرعباس و عسلویه که مراکز دائمی اعتراض هستند، همچنین مراکز چون راه آهن، مخابرات،

نفت، پتروشیمی ها، که در آنها کارگران بارها و بارها برای پیگیری خواسته هایشان توانسته اند اعتراضات سراسری خود را شکل دهند و پیگیر خواسته هایشان شوند، همه و همه مراکز هستند که در آنها زمینه برای گرامیداشت با شکوه اول مه روز جهانی کارگر فراهم است و باید به تدارک آن رفت. کارگران در تمام این مراکز میتوانند در ادامه مبارزاتشان برای پیگیری خواستها و مطالباتشان به مناسبت روز جهانی کارگر تجمع کنند و مارش اعتراضی خود را شکل دهند. اول ماه مه همچنین فرصتی است برای فراخوان به تجمع برای بازنشستگان و معلمان که پیگیر خواسته هایشان شوند. بعلاوه یک مرکز مهم گرامی داشت روز جهانی کارگر دانشگاهها است. برگزاری سمینارها، کنفرانسها، تاترهای خیابانی، به راه اندازی موزیک در خیابان و در محلات، سخنرانی و پخش شیرینی در متروها به مناسبت روز جهانی کارگر از جمله ابتکاراتی است که دانشجویان و جوانان میتوانند به کارگیرند و به استقبال اول ماه مه بروند. اول مه، روز جهانی کارگر، روز به چالش کشیدن سرمایه داری است، با تمام قوا به استقبال برگزاری هر چه با شکوهتر این روز برویم.

اعتصاب عمومی در شهرهای کردستان و کرمانشاه گسترش می یابد

بدنبال افزایش تعرفه گمرکی و بسته شدن مرزها که بیکاری وسیع و فقر بیشتر مردم در این منطقه را بدنبال دارد، به اعتراضاتی گسترده در شهرهای کردستان و در این منطقه مرزی دامن زد. در عکس العمل به این تعرض حکومت، ابتدا مردم بانه در اعتراض به فقر و

بیکاری دست به اعتراض زدند. بدنبال آن، دامنه این اعتراضات به جوانرود و میروان و سقز کشیده شد. در جریان این اعتراضات مردم در شهر جوانرود دست به راهپیمایی زدند. در روز ۷ فروردین شهرک صنعتی بانه با ۸۰۵ کارگر در حمایت از این مبارزات به اعتصاب سراسری پیوست. در ۲۸ فروردین کارگران بیکار شهر میروان در یکی از خیابان های اصلی شهر در اعتراض به فقر و بیکاری سفزه خالی پهن کرده و سپس دست به راه پیمایی به طرف فرمانداری زدند. در همین روز مغازه داران شهر سقز و در ۲۹ فروردین مردم در پیرانشهر به اعتصاب عمومی پیوستند و این اعتراضات تا به امروز ادامه یافته و اعتصاب عمومی در این منطقه گسترش می یابد.

اعتراضات مردم در شهرهای کردستان که جرقه اش در اعتراض به بسته شدن مرزها و علیه فقر و بیکاری زده شد و به اعتصاب عمومی گسترده در شهرهای مختلف این منطقه تبدیل شده است، اعتراضاتی در ادامه خیزش انقلابی مردم در دی ماه است. خیزش مردم در دیماه با شعار مرگ بر فقر، مرگ بر گرانی آغاز شد و در دومین روزش به شعار جمهوری اسلامی تمیخواهیم در قم تبدیل شده و دامنه اش حدود صد شهر را در بر گرفت. و امروز در ادامه آن تحول مهم سیاسی است که مردم در شهرهای مختلف کردستان و کرمانشاه به خیابان آمده و علیه فقر و بیکاری به اعتراض برخاسته و راهپیمایی میکنند. این اعتراضات ادامه دارد و دامنه اش گسترده تر میشود.

اعتصاب ابزار قدرتمندی کارگران است. اعتصاب عمومی



پیام سیاسی جامعه به کل حاکمیت و نه آنها به این بساط فقر و تبعیض و توحش است.

اعتصاب عمومی گسترده در کردستان به کارگران و مردم در شهرهای دیگر نیز راه نشان میدهد. قبلاً نیز اشاره کردم که اعتراضات گسترده کارگری که هر روز دامنه اش وسیعتر میشود، فضای پر تحرک جامعه و وضع آشفته حکومتیان بستر مناسبی برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری کارگری در تمام مراکز کارگری و در کل جامعه است. باید آنرا به گفتن همه کارگران و همه مردم تبدیل کرد. پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری.

کارگران در مقابل سرکوبها ایستاده اند

بدنبال اعتراضات قدرتمند کارگری در سال ۹۶، خصوصاً در ماههای پایان سال، کارفرمایان با همدستی دولت و دستگاه سرکوبش فرصت تعطیلات نوروزی را غنیمت شمرده و تعرض به کارگران معترض در کارخانجات را در دستور کارشان گذاشته اند. در راستای این سیاست در کارخانجاتی چون گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، پالایشگاه گاز ایلام و ایران پوپلین

رشت که از جمله کانون های داغ اعتراضات کارگری هستند، تعدادی از کارگران به جرم "تحرک" کارگران به اعتراض، ممنوع الخروج و یا مورد پیگیری و دستگیری قرار گرفتند. اما کارگران در برابر این سرکوبگری ها با قدرت ایستاده و نه تنها به این سرکوبگری ها معترضند، بلکه پیگیر خواستههای برحق خود هستند. از جمله روز ۶ فروردین بدنبال اعتراضات کارگران ایران پوپلین ۴ نماینده اخراجی این کارگران که در جریان اعتراضات کارگران این کارخانه بخاطر ۳ ماه دستمزد پرداخت نشده از کار برکنار شده بودند، به سر کارشان بازگشتند. کارگران نیشکر هفت تپه نیز که از هفتم فروردین ماه اعتراضات خود را برای پیگیری خواستههایشان از سر گرفته بودند، وقتی ۹ نفر از همکارانشان دستگیر شدند، با شدت دادن به مبارزه خود در پانزدهم فروردین ماه موفق به آزادی تمامی همکاران بازداشتی خود شدند. این کارگران با ایستادگی جانانه شان، با تجمعات هر روزه در کارخانه و در مقابل فرمانداری شوش و اعتصاب متحدانه شان موفق با آزادی همکاران بازداشتی خود شدند. همچنین بدنبال اعتراضات هر

روزه کارگران پالایشگاه گاز ایلام برای بازگرداندن ۱۱ همکار اخراجی خود به سر کار که بدنبال مبارزات آنان در روزهای ششم و هفتم اسفند در اعتراض به قراردادهای برده وار کاری اخراج شده بودند، مقرر شد که کارگران اخراجی به سرکارشان بازگردند.

در گروه فولاد ملی اهواز نیز اعتراض علیه دستگیری ها و بازگشت به کار کارگرانی که بخاطر مبارزاتشان ممنوع الورد شده اند، در جریان است. بدنبال ۲۷ روز اعتراض قدرتمند این کارگران در سال گذشته که در نتیجه آن کارگران موفق شدند دو ماه حقوق معوقه خود را دریافت کنند، در سال جدید مدیریت کارفرما در همدستی با دستگاه قضایی دولت با ایجاد فضای امنیتی میکوشد کارگران را از ادامه اعتراضاتشان برای پیگیری باقی خواستههای خود عقب زند. در عین حال با سرکوب و ارباب پیشروی بیشتر این کارگران را سد کرده و خط نشانی هم برای کارگران در تمامی مراکز کارگری کشیده باشد. در راستای اجرای این سیاست تعدادی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز چون پیمان شجراتی، باصری، مصطفی عیبات، حسن جاویدی، حویزای، داوودی و کریم صیاحی

کارت ورود شان به کارخانه مسلود شده است، ریاست اداره حراست به کارگران اخراجی عنوان کرده است که حکم جلب و بازداشت برای حدود ۵۰ نفر از کارگران صادر شده که بتدریج توسط پلیس دستگیر خواهند شد و روابط عمومی شرکت نیز طبق اطلاعیه ای اعلام کرده است که از این به بعد با تجمع کنندگان و معترضان برخورد "قانونی" صورت میگیرد و فسخ قرارداد میشوند. اما کارگران گروه ملی فولاد اهواز در مقابل این سرکوبگری ها با قدرت ایستاده و اعلام کرده اند که تا تمامی همکاران اخراجی آنها به سرکار بازنگردند و به این پیگردها خاتمه داده نشود به اعتراض و اعتصاب خود ادامه خواهند داد. کارگران اولتیماتوم داده که در صورت ادامه ارباب و سرکوب کارگران، دست به اعتراضات گسترده تری خواهند زد.

در اسفند ماه نیز ده نفر از کارگران گروه ملی فولاد اهواز دستگیر شده بودند که کارگران با مارش عظیم و با شکوه خود در وسط خیابانهای شهر اهواز به همراه خانواده هایشان و با شعار نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد، صحنه قدرتمندی از اعتراض را آفریندند و موفق به آزادی همکاران بازداشتی

خود شدند.

مبارزات متحدانه کارگران گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، پالایشگاه گاز ایلام، ایران پوپلین رشت، نمونه های بارزی از موقعیت قدرتمند امروز کارگران در برابر جمهوری اسلامی و سرکوبگریهای است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز شعار نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد، جواب سرکوبگری های حکومت را داده اند. و این چنین است که کارگران با قدرت در مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده اند و به استقبال روز جهانی کارگر میروند.

گفتنی است که يك کارزار مهم اجتماعی، کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو فوری احکام صادر شده زندان برای فعالین کارگری، معلمان معترض و تمامی فعالین سیاسی و آزادی همه زندانیان سیاسی است. با حمایت وسیع از مبارزات کارگران در برابر سرکوبگری های حکومت وسیعاً به این کارزار بپیوندیم، و خواست مشخص این کارزار را در سر بند قطعنامه های اعتراضی مان برای روز جهانی کارگر قرار دهیم.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگری

شب همبستگی با مبارزات کارگری در ایران

نمایش فیلم؛ روز شمار مبارزات کارگری در ایران

پیشروی های جنبش کارگری در ایران

سخنران: سیامک بهاری

موزیک و رقص

اسنکهم - جمعه ۲۷ آوریل، ساعت ۱۹

Torkel Knutssongatan 39 Mariatorget-Sensus

از ۸ مارس ۵۸ تا عروج دختران انقلاب

سخنرانی مهین علیپور در کنفرانس دختران خیابان انقلاب در پنجم آوریل در استکلهم



ادامه همین سرکوبها و پروژه‌ها توانسته تا کنون خود را در قدرت نگاه دارد.

آز آنجائیکه من معتقد نیستم که دستور خمینی مبنی بر حجاب اجباری صرفاً بخاطر حجاب بوده است بلکه شروع یک مصاف تا کنونی علیه آزادی و برابری در ایران بوده است و از آنجائیکه خود شاهد عملی کردن انقلاب فرهنگی رژیم در دانشگاه‌ها که برای از بین بردن سد مقاومت و مدافع آزادی در دانشگاه‌ها بود مقداری هم در این رابطه صحبت خواهم کرد. چون این سرکوبها همگی در مسیر ساختار یک دیکتاتوری اسلامی در ایران کاملاً بهم ربط داشتند. من در آزمون دانشجویی دانشگاه جندی شاپور اهواز بودم که در پروسه انقلاب فرهنگی مورد حملات شدید رژیم قرار گرفت.

قبل از انقلاب فرهنگی در اهواز تصفیه‌ای بین کارگران نورد و فولاد اهواز صورت می‌گیرد.

آنچه که ما در دانشگاه جندی شاپور اهواز شاهد بودیم در چهارشنبه ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ - که چهارشنبه سیاه نامیده شد - چنان وحشیانه بود که چهره واقعی این رژیم را و سیاستهای ضد انسانی را درجا به مردم نشان داد.

شورای انقلاب دانشگاه که دانشجویان حزب الهی کنترل آن را داشتند در فروردین ۵۹ تصمیم گرفت که دفتر و ستاد دانشجویان دگر اندیش را ببندد و از فعالیت آنها جلوگیری کند چون این وضعیت دانشگاه را یک نیروی مهم مقاومت علیه خود میدید.

در دوره بر دانشکده علوم جنتی امام جمعه اهواز نماز برگزار کرد و به دروغ و تحریف از دانشجویان چپ پرداخت. غرضی استانداری خوزستان هم به شایعه و جو سازی چه از قبل و چه در همان روز از طریق رسانه‌ها میپرداخت.

در آزمون پیشگام بزرگترین نیروی چپ را در دانشگاه داشت و

یک مسئله حاد این مبارزه علیه حجاب بمشال بیرق و سمبل این آپارتاید جنسی بود و هست.

البته حجاب بسادگی اجباری نشد و اعتراضات و مبارزات زنان بمدت ۶ روز از ۱۶ تا ۲۱ اسفند ۱۳۵۷ بطول کشید.

اعتراضات و اعتصابات زنان علیه این امر بسرعت بخصوص در تهران و چند شهر دیگر سازماندهی شد. در تهران زنانی که در وزارت امور خارجه کار میکردند در بیرون این وزارتخانه دست به اعتصاب زدند. بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ زن در

محوطه دانشگاه تهران تجمع کردند. شرکت دانش آموزان با ارمکهای مدارس و زنان از قشرهای مختلف جامعه در این تجمعات بسیار چشمگیر بود. حرکت بسیار بزرگ و افشاگرانه ای در رابطه با اهداف

ارتجاعی رژیم با شعارهایی که در بالا ذکر شد در چندین شهر ایران بخصوص در تهران برگزار شد. حملات به زنان از طریق مردان سیاه پوش و ریشدار که ابتدا با ناسزاگویی شروع و سپس به چاقو زدن و اسید پاشی و کتک زدن زنان و غیره انجامید در ملا عام صورت گرفت.

در اهواز اعتصاب و اعتراض پرستان به این امر بسیار چشمگیر بود. تعداد بسیاری از پرستان از اخراج و تعدادی هم دستگیر شدند. حجاب بسادگی اجباری نشد و با ادامه قسمتهای دیگر پروژه سرکوب مردم در ایران زنان مجبور به پوشیدن حجاب شدند و پوشیدن حجاب به یک قانون علیه زنان تبدیل شد.

شروعی برای اسلامیزه کردن جامعه و بنای یک دیکتاتوری اسلامی در ایران با پرچم حجاب بر سر زنان شروع و در ادامه این روند انقلاب فرهنگی دانشگاهها و حمله به کارگران و کردستان و ترکمن صحرا و کشتار و قتل عام ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ توسط رژیم و اوباشانش بود. همانطور که هنوز هم شاهدیم رژیم جمهوری اسلامی با

بود که دخالت زنان در انتخابات و حقوق برابر برای زنان و دخالت نیمی از جمعیت ایران در امور کشور جز بدیختی و فساد و فحشا چیز دیگری برای جامعه نیست.

اما در آستانه بقدرت رسیدنش درپاریس در جمع خبرنگاران دست به دروغ پردازیها و عقب نشینی های ظاهری میزند.

وی وعده میدهد که زنان در یک جامعه اسلامی آزادند و هیچ مانعی برای رفتن به دانشگاهها و کار و سیاست ندارند.

اما: دو هفته بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ دفتر سید روح الله خمینی تصمیم به نقض قانون حمایت خانواده و اجباری کردن حجاب میگردد.

تنها یک روز قبل از ۸ مارس ۵۷ خمینی در سخنرانی مدرسه رفاه اعلام کرد که زنان کارمند در ادارات دولتی باید حجاب اسلامی را برای حفظ آبرویشان رعایت کنند.

روز ۸ مارس ۵۷ یک روز تاریخی علیه بنیان گذاری ارتجاع و اسلام سیاسی بود که توسط زنان علیه حجاب اجباری خمینی صورت گرفت.

زنان بخصوص در تهران و شهرهای دیگر با شعار نه روسری نه توستری، حقوق زن جهانی است، و نه شرق نه غربی و ما انقلاب نکردیم که به عقب برگردیم به خیابانها ریختند و اعتراض خود را علیه تعرض به آزادی پوشش بطریق بسیار موثر و کاری نشان دادند. این تظاهرات در سطوح بین المللی هم انعکاس گسترده ای داشت.

براستی زنان سیاستهای پنهانی و ارتجاعی جمهوری اسلامی را افشا کرده و هدف از حجاب اجباری را از طریق شعارها نشان داده و در واقع به افشاگری پیرامون رژیم ضد زن و اهدافش از اجباری کردن حجاب پرداختند.

از آنموقع نطفه یک جنبش ضد اسلامی سیاسی و ضد زن بسته شد

با تشکر از دعوت من در این میز گرد و خسته نباشید به برگزارکنندگان برنامه امروز.

در بعضی زندگی‌ها و دورانها انسانها شاهد اتفاقات مهم تاریخی میشوند. این اتفاقات تصادفی نیست بلکه اراده و نقش مردم در آن بسیار تعیین کننده است ولی اینکه چه کسانی شاهد و یا شامل آن باشد فاکتورهای مهمی در آن نقش دارد که یک از آنها بنظر من شانس و سعادت است که نصیب آن شخص میشود. من این سعادت را داشتم که شاهد و جزئی کوچکی از انقلاب مردمی ۵۷ در شروع باشم و همزمان متأسفانه شاهد جنایات و سرکوب مردم توسط ارتجاع و بربریت و دزدیدن انقلاب مردمی بدلیل عدم وجود یک حزب و یا تشکیلات مردمی برای رهبری انقلاب هم باشم.

انقلاب با شکوه مردم برای آزادی و برابری را شاهد و همراه بودم. ریودن انقلاب مردم توسط خمینی با حمایت بین المللی را شاهد بودم. ۸ مارس ۵۷ بعد از امر خمینی به محجبه کردن نیمی از مردم ایران و انقلاب فرهنگی ۵۹ و کشتار و قتل عام ۶۰ را شاهد بودم و همزمان شاهد مبارزات مردم و شکل گرفتن این مبارزات علیه ارتجاع هم بوده ام.

این اقدامات که با محجبه کردن اجباری زنان در سال ۵۷ شروع شد پروژه اسلامیزه کردن جامعه و بنیاد یک دیکتاتوری اسلامی توسط خمینی و حامیانش بود.

زنان چه در سال ۵۷ و چه بعد از آن از طریق یک مبارزه طولانی علیه حجاب در ایران و چه در اواخر از طریق اقدامات شجاعانه و با ذکاوت دختران خیابان انقلاب بخوبی نشان دادند که مسئله بر سر یک تکه پارچه و یک اجبار کوچک نبوده و نیست بلکه مسئله بالابردن و افراشتن بیرق اسلام سیاسی در ایران بوده است.

خمینی کسی بود که در دهه ۴۰ مخالف حق رای زنان بود. او معتقد

فعالین پیکار و رزمندگان و خط ۳ و دانشجویان دمکرات هم در این فضا مطرح بودند.

دانشجویان در اطراف دانشکده علوم با همراهی مردم که بیشتر خانواده دانشجویان بودند و تعداد بسیاری از دانش آموزان جمع شده بودند. با تحریکات جنتی حمله به دانشجویان و مردم شروع شد. حمله با چاقو و قمه و تیراندازی به مردم صورت گرفت

کابوس من همچنان تا به کنون دوییدن یک دختر دانش آموز ارمک پوش بود که با یک چاقو در سینه برای کمک بطرف من میدوید.

تعدادی در محل زخمی و کشته شدند. تعداد دیگر در اسارت در سالن شهرداری امانیه و در زرگان اهواز کشته شدند.

این حمله در دانشگاههای دیگر هم صورت گرفت که منجر به تعطیلی سه ساله دانشگاهها و تعداد بسیاری کشته و مجروح و اسیر و اخراج تعداد بسیاری دانشجو و استاد از دانشگاهها بود که ضریبات بسیار سنگین و غیر قابل جبران به بدنه علمی و ساختار آموزشی دانشگاهها وارد ساخت. هدف شکست یک نیروی مقاومت رادیکال و جدی در دانشگاهها در برابر

اختناق و ستم جمهوری اسلامی بود. روند بعدی کشتار و قتل عام ۳۰ خرداد ۶۰ بود. زنان در روز زن ۵۷ بخوبی نشان دادند که مقوله حجاب اجباری یک اجبار ساده نیست.

نه تنها تحمیل و اجبار زنان به بی حقوقیهای بیشتر، بلکه شروع تصفیه و کشتار و اسارات آزادیخواهان بوده است که جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد انسانی اش را تهدید میکرده است. حجاب اجباری برافراخته کردن پرچم دیکتاتوری اسلامی در ایران بوده

تعطیل تلگرام نجاتان نمیدهد

خلاص شدن از شر حکومت منفور و فسیل و چپاولگر اسلامی و وارد شدن به قرن بیست و یکم است. رفاه و آزادی و علم و تکنولوژی را نمیتوانند با فتوا و امر به معروف از مردم برای همیشه بگیرند. فقط درد سر درست میکنند و مردم را عاصی تر میکنند. در این عاصی تر شدن فضای اعتراض و انقلاب عمیق تر میشود. تردیدی در این نباید داشت. برگرفته از صفحه فیسبوک کاظم نیکخواه

خود را برای سازمان یافتن و تبادل نظر و اطلاعات باز کرد و هزاران جمع و تشکل از گوشه و کنار سر بر آورد. اما هنوز اینها در تقلا هستند که با اقداماتی از طریق بستن تلگرام راه ارتباطات جوانان و زنان و کارگران و معلمان و بازنشستگان را سد کنند. این خیالی خام و پوچ است. حتما موانع و دردسرهایی ایجاد میشود اما جامعه‌ای که بطور جدی امر و هدفی دارد راهش را هم باز میکند. و هدف جدی مردم این جامعه

جمهوری اسلامی میخواهد شبکه اجتماعی تلگرام را تعطیل کند و مردم را مجبور کند که در شبکه‌های کنترل شده و دست ساز حکومت وارد شوند تا بتواند موانع سازمانیابی بخشهای مختلف مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی شود. نهادهای حکومتی مثل بیت خامنه‌ای و معاون روحانی و حوزه جلیلیه و غیره نیز فوراً از تلگرام خارج شده‌اند. این جماعت کله خشک طی این سالها هزار جنایت کرده‌اند و صدها هزار نیروی بسیجی و جاسوس و سرکوب سازمان داده‌اند و ماهواره و تشکل و تجمع را ممنوع کردند و هزار طرح دیگر برای تحت کنترل گرفتن مردم به اجرا گذاشتند. اما سرشان به سنگ خورد و جامعه راه



سعید مرتضوی گم شده!

تا به دوره خباثت و چپاول و یکه تازی سعید مرتضوی ها و لاجوردی ها و خامنه‌ای ها و کل مافیای چپاولگر حاکم برای همیشه پایان دهد و خواهد داد. همینکه مجبور شده‌اند دادستان عزیز در دانه خامنه‌ای را محکوم کنند و ناچار شوند او را با خفت و خواری از انظار مخفی کنند، خود بیانگر حال نزار حکومت اسلامی است. به این سیستم خبیث پایان خواهیم داد. برگرفته از صفحه فیسبوک کاظم نیکخواه

عکس‌العملهای خشمگینی نشان دادند و برخی نیز با تمسخر نوشتند "طفلی بنام سعید مرتضوی گم شده است و والدینش نگرانند". سعید مرتضوی جنایتکار بیرحم حکومت اسلامی است. او و رادان و احمدی مقدم و دیگر شکنجه‌گران همکارش به جنایاتی علیه عزیزان مردم در کهریزک دست زدند که حتی توصیف گوشه‌هایی از آن مو بر تن انسان راست میکنند. اما این جنایات مردم را مرعوب نکرد. جامعه ایران بار دیگر بی‌باخته است

بازهم داستان سعید مرتضوی! بازهم تقلائی سران حکومت برای ممانعت از زندانی کردن او. و باز جلوی چشم آمدن معضل لاینحل حکومت اسلامی از بالا تا پایین. اژه ای سخنگوی قوه قضائیه روز گذشته در جواب به این سوال که چرا مرتضوی را دستگیر نمیکند گفت "حکم جلبش صادر شده اما هنوز متأسفانه گیرش نیآورده‌ام" عبارات دیگر جناب سعید مرتضوی بیچاره گم شده است. بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی به این خبر

بنیادی در آن است. در اوایل ۲۰۱۸ ما شاهد اعتراضات مردمی بزرگی بوده‌ایم که زنان در آن نقشی کلیدی و افشاگرانه چون همیشه داشته‌اند.

ویدا موحد با یک حرکت سمبولیک و ذکاوت‌مندانانه و در کمال آرامش و با اعتماد بنفس به جهانیان فهماند که در مبارزه با آپارتاید جنسی در ایران باید حجاب را که پرچم این دیکتاتوری است نشانگر گرفت. جنبش دختران انقلاب گسترده‌تر بدینا نشان داد که در انقلاب مردمی در ایران زنان نقش تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت و این انقلاب بدون نقش زنان امکان‌پذیر نیست.

این جنبش نه تنها در ایران بلکه در منطقه نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت. ترکیه را ما شاهد بودیم که زنان به حمایت از این جنبش با برداشتن روسریها پرداختند.

ما بعنوان مدافعین برابری بیقید و شرط برای زنان باید با تمام قدرت به حمایت از جنبش دختران انقلاب بپردازیم و همزمان به افشای نیروهای ملی اسلامی و اصلاح طلبانی که میخواهند این جنبش را رقیق کرده و پوشش و مانع بر سر راه اهداف اصلی این باشند بپردازیم.

در خاتمه تأکید میکنم که جنبش زنان در ایران کابوس جمهوری اسلامی است.

این جنبش جنبشی رو به پیش است و عقب‌گردی ندارد. این جنبش شفاف و رادیکال است و سرسازشی با کسی و قدرتی ندارد.

کاری که دختران انقلاب کرده‌اند مثل روغنی مسیر جنبش زنان را سریعتر و ساده‌تر کرده است. این جنبش شایسته هر نوع حمایتی است.

جمهوری اسلامی حجاب را بزور در خیابانها سر زنان کرده و با خواری و زبونی هم در خیابانها آنرا توسط زنان پس خواهد گرفت.

زنده باد دختران خیابان انقلاب!

fb.com/wpiran/

است که میخواست بدینطریق مردم را وادار به سکوت و تسلیم کند. مسئله فقط حجاب نبود زیرا که؛

۱۱ اسفند ۵۷ زنان از قضاوت منع شدند، ۱ خرداد ۵۸ اولین زن در ملاعام شلاق زده شد،

۲۱ تیر ۵۸ سه زن به اتهام منکرات اعدام شدند، ۸ تیر ۵۸ قانون جدیدی جای قانون حمایت خانواده را گرفت که حداقل امتیازات حمایتی زمان شاه را هم از بین برد، ۱۴ مهر ۵۸ مقام قضائی زنان قاضی البته آنهایی که تصفیه نشده بودند به رتبه‌های اداری تقلیل داده شد، ۱۴ بهمن ۵۸ اولین بخشنامه دولت درباره حجاب اجباری پرستاران و پزشکان زن صادر شد، ۳۰ فروردین ۵۹ خوانندگان زن به دادگاهها احضار شدند و پس از تحقیر و تهدید محروم از خوانندگی شدند، ۸ تیر ۵۹ برای اولین بار مجازات سنگسار در باره ۲ زن در کرمان اجرا شد.

در قتل عام ۳۰ خرداد سال ۶۰ تعدادی دختران زیر ۱۸ سال هم میان اعدامیون بودند.

و بسیاری قوانین ضد زن اسلام که به تصویب مجلس رسید و اجرایی گردید مثل:

عدم حق طلاق، عدم حق حضانت، ممنوعیت سفر و اجازه کار و ...

و اکنون ۴۰ سال از ۱۷ اسفند ۵۷ میگذرد. ولی آنچه که تاریخ بخود دیده این است که از ۴۰ سال پیش نطفه یک جنبش قوی برابری

طلبانه در ایران بسته شده است که از طریق مبارزات خود همواره اسلام سیاسی را به سخره کشیده و دشمن اصلی خود دانسته است. در این

مبارزات زنان نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند و نشان داده‌اند که آزادی و دموکراسی و برابری در ایران بدون زنان و مبارزات زنان امکان‌پذیر نیست. برابری و آزادی برای زنان در

ایران از طریق براندازی جمهوری اسلامی و پایان دادن به قدرت سیاسی آن است.

هم اکنون مبارزات برابری طلبی زنان در ایران وارد مرحله حساس و تعیین‌کننده‌ای شده است.

در ایران یک انقلاب قوی اجتماعی در جریان است که هدفش نفوذ به اعماق جامعه و تغییرات

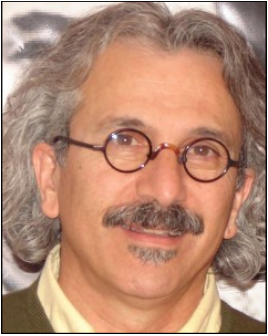
ازهای: سعید مرتضوی را پیدانمی کنیم تا حکمش را اجرا کنیم

طفلی به نام سعید دیر است گم شده!

مر تقوی: بهار است، هوا خواب آور است، سهوزندان پیدا کرده‌ام!
 پیشنهادهای شهرونگ برای پیدا کردن مرتضوی: بهش بگید چهار تا روزنامه داریم، می‌خوایم درش رو تخته کنیم!
 #بهرام_که_گور_می_گرفتی_همه_عمر
 #آمار_بدهید_مژدگانگی_در_یافت_کنید#شهرونگ

آلترناتیو سوسیالیستی در ایران و مواجهه هراسان آنتی سوسیالیستها با آن

پرسش از علی جوادی



سوسیالیستی و ضد کارگری را میبلغان رنگارنگ بورژوازی که احتمال چپ شدن فردای جامعه ایران را میدانند. همانطور که در مواجهه با "انقلاب ۵۷" دست به یک مهندسی عظیم اجتماعی زدند و گنبدیترین و حاشیه ای ترین و مرتجع ترین جریان سیاسی در ایران را به "رهبر انقلاب" و انقلاب را "انقلاب اسلامی" قلمداد کردند. ما این تبلیغات را میشناسیم. ما این نیروها را میشناسیم. ما اهدافشان را میشناسیم. ما اجازه نخواهیم داد تا تاریخ و سرنوشت "انقلاب ۵۷" تکرار شود. انقلاب آنتی ایران میتواند یک انقلاب کارگری پیروزمند باشد. سرنگونی رژیم اسلامی میتواند با پرچم کمونیسم و کارگر به سرانجام پیروزمند خود برسد. این مطلوب ترین شکل پایان بخشیدن به حکومت اسلامی و سرمایه داری در ایران است. این مطلوب ترین راه خلاصی از تمامی مصائب گریبانگیر جامعه است. ما بار دیگر تکرار میکنیم؛ سوسیالیسم نام دیگری برای تمام آزادیخواهی، تمامی برابری طبلی، تمام انسانگرایی در جامعه است. جمهوری سوسیالیستی ضامن آزادی و برابری و رفاه همگان است. بگذار دشمنان آزادی و برابری و سوسیالیسم از "خطر" سوسیالیسم به اشباح و مردگان متوسل شوند. کمونیسم و کارگر و اردوی آزادیخواهی با قامتی استوار میکوشد تا سرنگونی رژیم اسلامی را با استقرار یک جمهوری آزاد سوسیالیستی مترادف کند.

کارگر و تلاشهای کمونیسم کارگری را در مقابله با وضعیت موجود مشاهده نکرده باشد. روزی نیست که ما شاهد اعتراض و فراخوان و تجمع و اعتصاب کارگری در جامعه نباشیم. جامعه شاهد آن است که هر روز بیشتر از روز پیش، کمونیسم و کارگر با هم تداعی میشوند. هر روز شاهد آن هستیم که آزادیخواهی و برابری طلبی و مرئیسم و ضدیت با مذهب با کمونیسم کارگری و آرمانهای و فعالیتهای این جنبش تداعی میشود. امروز بیش از هر زمان ضدیت با زن ستیزی، اسلام و تحجرا با کمونیسم کارگری تداعی میشود. این واقعیات دوران حاضر، دورانی که جامعه ایران در آستانه یک تحول عظیم اجتماعی قرار گرفته است، و نه واقعیات سه دهه پیش، زمینه ساز تحرك و هراس مدافعين رنگارنگ سرمایه داری و اسلام سیاسی و جنبشهای ضد کارگری و ضد سوسیالیستی هستند. اگر بار دیگر دارند بر طبل آنتی سوسیالیستی می کوبند، در هراس از احتمال واقعی آیند سوسیالیستی جامعه است. بهمین سادگی به همین روشنی!

هراس این جماعت از هر جنس و نوعی که باشند، هراسی از یک آیند سوسیالیستی و آزادیخواهانه در جامعه ایران است. هراس از طبقه کارگری ملرن و سوسیالیستی است که دیگر نمی خواهد زمینه ساز قدرت گیری طبقات دارا و سرمایه دار در جامعه باشد. طبقه کارگری و کمونیسمی که می آید تا آزادی خود را، آزادی همگان در جامعه را، متحقق کند. جامعه ایران در آستانه یک تحرك عظیم اجتماعی است. اما قرار نیست، تجربه تلخ و خونین حکومت اسلامی با شکست "انقلاب ۵۷" تکرار شود. سوسیالیسم و آلترناتیو کارگری یک گزینه واقعی و مطرح در جامعه است. هراس ضد کارگر و ضد سوسیالیسم، ناشی از این آیند محتمل است. این ارکستر ضد

راسیسم، مرد سالاری، قوم پرستی، مذهب، جامعه ستیزی و زورگویی از هر منفذ جامعه بیرون زد. (منصور حکمت: تاریخ شکست نخوردگان) این تبلیغات و گرد و خاک ها فروکش کرد. در مواجهه با واقعیات و تناقضات خرد کننده جامعه سرمایه داری بر باد رفت. ما همان زمان اعلام کردیم که این تعرض به گل خواهد نشست. اعلام کردیم تاریخ تاکنونی جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است. این تخصص طبقاتی، تنها با نابودی سرمایه داری و فنای طبقات و جامعه طبقاتی از میان خواهد رفت. ما دریچه ای شدیم که آرمانهای آزادیخواهانه و سوسیالیستی بشر را در مقابل جامعه گرفتیم. از سوسیالیسم دفاع کردیم. با پرچم کمونیسم کارگری به مقابله با این تهاجم رفتیم. تسلیم نشدیم. زمین نخوردیم. از ایده برابری و آزادی انسانها، از رهایی جامعه از تمامی قید و بندهای سیاسی و اقتصادی و اسارت بار قاطعانه دفاع کردیم. امروز بار دیگر شاهد آن هستیم که تحولات جهان معاصر چه در جوامع غربی و چه در جوامعی مانند ایران همگی بر ضرورت سوسیالیسم در مقابله با سرمایه داری معاصر تاکید دارند. فریادهای سوسیالیستی از هر گوشه ای سر بلند کرده است. و این تحولات ما را به گوشه دیگری از تلاشهای ضد سوسیالیستی امروز می رساند. چرا باز ما با تلاشی از این جنس مواجه ایم؟ چرا برخی باز مرده استالین را در مقابل ما علم کرده اند؟ چرا برخی باز علم شوروی را در مقابل تحرك طبقه کارگر و کمونیسم معاصر بلند کرده اند؟ چرا؟ واقعیت را باید در تحولات معاصر و تحرك طبقه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی در جامعه ایران جستجو کرد.

امروز هیچ آنتی کمونیست و هیچ دو خردادی و ۲۰ خردادی و بچه حاجی و آخوند دو نبش و سه نبشی نیست که تحرك سوسیالیستی طبقه

آنچنان گرد و خاکی بپا کردند که رویت حقیقت از ریا و تزویر کار چندان ساده ای نبود. اما حقیقت ساده این بود که سقوط بلوک شرق در حقیقت چیزی جز سقوط یک الگوی سرمایه داری، سرمایه داری دولتی، در رقابت با الگوی دیگر سرمایه داری یعنی سرمایه داری رقابتی نبود. اینک شوروی یک حکومت سوسیالیستی متکی بر آرمانهای آزادیخواهانه و انسانی مارکسیسم نبود، کوچکنتری ربطی به کمونیسم نداشت، حتی برای شرق شناسان آگامی های بلوک غرب کاملاً روشن بود. سوسیالیسم در شوروی با شکل گیری شوروی و عروج سرمایه داری دولتی به رهبری استالین شکست خورده بود نه در پس سقوط بلوک شرق. سوسیالیسم در روسیه پیش از شکل گیری بلوک شرق شکست خورده بود.

اما ما گفتیم علیرغم اینکه توانستند سقوط شرق را سقوط کمونیسم و پایان سوسیالیسم و مارکسیسم تصویر کنند. کل این شعبده بازی البته بیش از شش سال بطول نیانجامید و تمام شواهد امروز حاکی از این است که این دوران فریب دیگر به سر رسیده است. اما این شش سال دنیا را تکان داد. این پایان سوسیالیسم نبود، اما سرنخی بود به اینکه پایان سوسیالیسم واقعا چه کابوسی میتواند باشد و دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود. معلوم شد جهان، از حاکم و محکوم، سوسیالیسم را با تغییر تداعی میکند. پایان سوسیالیسم را پایان تاریخ خواندند، معلوم شد پایان سوسیالیسم پایان توقع برابری است، پایان آزاد اندیشی و ترقی خواهی است، پایان توقع رفاه است، پایان امید به زندگی بهتر برای بشریت است. پایان سوسیالیسم را حاکمیت بلامنازع قانون جنگل و اصالت زور در اقتصاد و سیاست و فرهنگ معنی کردند. و بلافاصله فاشیسم،

انترناسیونال: در پس اوضاع اخیر بار دیگر ما شاهد تلاشی در تعرض به سوسیالیسم شده ایم. مستقل از ابعاد این مساله، مستقل از کوچک و بزرگ بودن این تلاش، چه ارزیابی ای از نفس این حرکت در شرایط کنونی جامعه دارید؟ آیا حقیقتی در پس این تلاشها موجود است؟

علی جوادی: بهیچوجه! هیچ ذره ای از حقیقت در پس این تلاشها موجود نیست. این تلاشها حاصل یک کنکاش علمی و تاریخی در ارزیابی از آرمان و اندیشه و تلاش سوسیالیستی در جامعه نیست. بر عکس محصول تلاش زرادخانه سرمایه داری معاصر در گوشه و کنار جهان و در ایران امروز در مواجهه با جنبش سوسیالیستی است. اجازه دهید به جوانب متعدد این مساله اشارات کوتاهی بکنم.

برای بررسی تاریخی تر شاید باید از دوران فروپاشی بلوک شرق و سقوط کمونیسم بورژوازی و سرمایه داری دولتی شروع کرد. با سقوط بلوک شرق ما شاهد تهاجم همه جانبه بلوک پیروز به ایده و آرمان و تلاش سوسیالیسم در جامعه بشری بودیم. تهاجمی و گوش کر کن. تمام قدرت تبلیغاتی دول پیروز اعم از مخزن های فکری و عقیدتی سرمایه داری حاکم تا قدرت مدیا و رسانه های اصلی و جیره خوار و صنعت مذهب و فرهنگ حاکم همگی در این کنسرت تهاجم ضد سوسیالیستی به خط شدند و تحت رهبری ارکستر این گروه قرار گرفتند. ریاکارانه شکست بلوک شرق را شکست سوسیالیسم و تجربه سوسیالیستی قلمداد کردند. فروپاشی حکومت شوروی را بمشابه پایان تلاشهای سوسیالیستی در بوق کردند و به خورد جامعه دادند. پایان بلوک شرق را کودنانه "پایان تاریخ" و ابلهانه تر "پایان مبارزه طبقاتی"، پایان ایده برابری و نوع دوستی و انسانگرایی و مسئولیت دولت در قبال آحاد جامعه، قلمداد کردند.

پانزدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری ایران با موفقیت بر گزار شد

[919&set=pcb.2020256424879911&type=3&theater&ifg=1](https://www.facebook.com/photo.php?fbid=1049559735181704&set=pcb.2019823408256546&type=3&theater&ifg=1)

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=1049559735181704&set=pcb.2019823408256546&type=3&theater&ifg=1>

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=1049562195181458&set=pcb.2019824228256464&type=3&theater&ifg=1>

گزارش تصویری از کنفرانس
<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=835868739950972&set=pcb.835869186617594&type=3&theater>

<https://www.facebook.com/wpiran/photos/pcb.1865074143526515/1865069596860303/?type=3&theater>

<https://www.facebook.com/photo.php?fbid=1050090918461>

تقویت بنیه مالی، آموزش اعضای جدید و تحزب نیز از نکات مهم دیگری بود که مورد تاکید کنفرانس قرار گرفت. شرکت کنندگان در کنفرانس در این زمینه نیز به اظهار نظر حول بهبود فعالیت حزب در دوره آتی پرداختند.

در قسمت دیگری از کنفرانس حمید تقوایی به سوالات حاضرین در مورد نزدیکی و همکاری با سازمانهای اپوزیسیون، اسلام سیاسی، حکومت انسانی، متد برخورد سلبی به انقلاب، و تفاوت های کمونیسم کارگری با دیگر مدعیان کمونیسم پاسخ گفت.

با توجه به کمپین جاری علیه حکم اعدام رامین حسین پناهی، مینا احدی پیام کنفرانس در مورد این کمپین را قرائت کرد که با استقبال حاضرین مواجه شد. آخرین دستور جلسه کنفرانس انتخاب کمیته جدید بود. کنفرانس آلمان ۱۷ نفر را برای عضویت در کمیته انتخاب کرد. اعضای منتخب عبارتند از:

طه آزادی، تیمسور امجدی، نازنین برومند، طه حسینی، شهلا خباززاده، سیامک زارع، محبوبه سیاهمردی، محمد شکوهی، مریم صادقی، طغری قره گزول، ناصر کشکولی، محمد امین کمانگر، نوید محمدی، شهناز مرتب، سیامک مکی، جمیله میرکی، خالد ناصری.

بلافاصله بعد از کنفرانس کمیته جدید تشکیل جلسه داد. در این جلسه محمد شکوهی برای دبیری کمیته و نوید محمدی برای خزانة داری آلمان انتخاب شدند. در کنفرانس سه نفر به عضویت حزب درآمدند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۱۷ آوریل ۲۰۱۸

کشور حزب میتواند ایفا کند تاکید کرد و گفت حزب باید برای سازماندهی و پیشبرد کارزارهایی نظیر دستگیری و محاکمه شاهرودی که به فرار مفتضحانه وی منجر شد آماده باشد و تشکیلات خارج باید فعالیت های گسترده ای را در حمایت و معرفی جنبش انقلابی مردم ایران و نمایندگی کردن آن در خارج کشور در دستور کار خود قرار بدهد.

سپس کنفرانس وارد مبحث گزارش و ارزیابی از فعالیت های دوره گذشته شد. مسئولین و دست اندرکاران عرصه های مختلف فعالیت و واحدهای حزبی و اعضا و کادرهای حاضر در کنفرانس هر کدام از جنبه های مختلف به بررسی فعالیتها پرداخته و برای بهبود فعالیت تشکیلات ایده ها و پیشنهادات خود را مطرح کردند.

دستور دیگر کنفرانس رؤس و محور فعالیت های آتی تشکیلات آلمان بود. در این قسمت محمد شکوهی و اصغر کریمی محورهای فعالیت در دوره آتی را تشریح کردند و ضمن اشاره به فراری دادن شاهرودی و حضور فعالین حزب در جلسه مقامات دولت آلمان با علالالدین بروجردی، بر اهمیت فعالیت علیه حضور جمهوری اسلامی در آلمان، مبارزه علیه احزاب و جریانات اسلامی و مماشات دولت آلمان با این جریانات، شکل دادن به افکار عمومی در مورد حقایق جامعه ایران، مبارزه علیه راسیسم و نژاد پرستی و فعالیت در عرصه پناهندگی به عنوان سرفصلهایی از کارهای آتی تاکید کردند. همچنین با توجه به گستردگی فعالیت مینا احدی در آلمان تاکید شد که تشکیلات آلمان انرژی بیشتری برای تقویت این فعالیت ها در دستور کار خود قرار دهد. اهمیت گسترش جغرافیای فعالیت حزب، سر و سامان دادن به واحدهای حزبی،

روز شنبه ۱۴ آوریل پانزدهمین کنفرانس سالانه تشکیلات آلمان حزب کمونیست کارگری برگزار شد. از طرف رهبری حزب حمید تقوایی و اصغر کریمی در این کنفرانس حضور داشتند.

کنفرانس با سرود انترناسیونال و با اعلام يك دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت و جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم شروع به کار کرد. سپس محمد شکوهی در صحبت کوتاه افتتاحیه کنفرانس با اشاره به برخی از فعالیت های تشکیلات آلمان حزب، توضیح داد که تشکیلات آلمان در این دوره تحرك بیشتری داشته، واحدهای جدیدی ایجاد کرده و مجموعاً بیش از ۸۰ نفر از نسل جوان به اعضای حزب در آلمان اضافه شده اند. محمد شکوهی تاکید کرد که با توجه به تحولات سیاسی در ایران وارد دوره جدیدی شده ایم و تشکیلات آلمان ضروری است خود را برای فعالیت در این دوره آماده کند. سپس فیلمی از فعالیت های این دوره نمایش داده شد.

در ادامه حمید تقوایی در مورد اوضاع سیاسی ایران و نقش حزب در این دوره سخنرانی کرد. حمید تقوایی در سخنرانی اش به اوضاع سیاسی ایران و نقش و جایگاه حزب در بطن این اوضاع پر تحول پرداخت. حمید تقوایی با اشاره به اعتراضات دیمه سال گذشته و به میدان آمدن مردم برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و طرح شعارها و خواسته های چپ و رادیکال در اعتراضات جاری، بر این نکته تاکید کرد که سیاستها و فعالیتها و مبارزات حزب، از بنو تاسیس اش تا امروز، در چپ شدن فضای جامعه و ایجاد شرایط انقلابی جاری نقش داشته است و به این اعتبار حزب از سابقه و جایگاه و موقعیت مساعدی برای ایفای نقش رهبری انقلاب برخوردار است. او همچنین بر رابطه و تاثیرات متقابل بین فضای اعتراضی داخل و خارج کشور و نقشی که تشکیلات خارج



متن بیانیه های منتشر شده کارگری به مناسبت اول مه

بیانیه تشکل های مستقل کارگری پیرامون اوضاع حاکم بر کشور و فرارسیدن اول ماه مه روز جهانی کارگر

سال ۹۷ را، در شرایطی آغاز می کنیم که دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر بر کارگران تحمیل شده و در عین حال شیرازه های اقتصاد و اداره جامعه به شکل غیرقابل کنترلی در حال از هم گسیختگی است و در این میان جناح های مختلف قدرت برای بقا و تامین منافع ضدانسانی خود، هیچ برنامه ای جز تحمیل فقر و فلاکت بیشتر به میلیون ها کارگر و مردم زحمتکش ایران و سرکوب اعتراضات بخش های مختلف جامعه ندارند.

کسانی که چهل سال پیش با ژست مستضعف پناهی و با بوسه به دستان کارگران بر سرنوشت جامعه حاکم شدند، بی هیچ شرمی در ملامت بر کرده کارگر شلاق زدند؛ آنان را به سلول های انفرادی انداختند و با تعقیب قضائی و احکام زندان طویل المدت، مهر بردگی بر پیشانی شان کوبیدند. با ممنوعیت اعتصاب و تشکل های مستقل کارگری و سرکوب هر گونه فریاد حق خواهی کارگران، شرایطی را پدید آوردند که امروزه در ایران به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان، حداقل مزد کارگران، چهار برابر زیر خط فقر است و این دستمزد شرم آور در اغلب مراکز تولیدی و

صنعتی با ماه ها عقب افتادگی و به ضرب و زور اعتراضات مداوم کارگران پرداخت می شود و در بسیاری از مراکز اقتصادی به علت فقر و بیکاری همین حداقل دستمزد هم پرداخت نمی شود؛ خصوصی سازی یا اختصاصی سازی واحدهای تولیدی همچنان ادامه دارد و به تعطیلی واحدهای تولیدی، یکی پس از دیگری، منجر می شود؛ با اجرای طرح های انتقال آب با هدف افزایش سطح کشت محصولات صادراتی مانند پسته که سود سرشاری را نصیب صاحبان سرمایه می کند، همراه با صدمات جبران ناپذیر به محیط زیست، زندگی هزاران کشاورز به ورطه فقر و نابودی مطلق کشیده شده است.

تن فروشی و اعتیاد به مواد مخدر را به عرش رساندند. کودکان کار، زباله گردی برای سیر کردن شکم، کلیه فروشی، کارتن خوابی، کولبری و کشتار کولبران، دست فروشی و ضرب و شتم دست فروشان، خودکشی، بیکاری و نومیدی جوانان، دزدی و اختلاس و هزار و یک مصیبت اجتماعی دیگر را به بخش لاینفکی از شرایط زندگی و حیات یک جامعه هشتاد میلیونی تبدیل کردند و اینک سرمست از غارتگری هایشان، آنجا که در مقابل مردم به جان آمده از وضعیت فلاکت بار موجود قرار می گیرند، از سوئی با سرکوب و بر پا

کردن دار و درفش و از سوی دیگر با عوام فریبی و متهم کردن یکدیگر، همچنان سعی در تداوم سیاست های ویرانگرانه چهل سال گذشته خود دارند.

در حالی که سبد هزینه واقعی زندگی یک خانوار چهار نفره بالای پنج میلیون تومان است و عوامل و جیره خواران حکومت در نهادهای دست ساز کارگری، آن را سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین کردند؛ با این حال این جیره خواران همراه با اربابانشان، به طور بی شرمانه ای چشم در چشم میلیون ها کارگر، با امضا و تصویب یک میلیون و یکصد و چهارده هزار تومان به عنوان حداقل مزد، اعلام کردند سهم شما کارگران از زندگی، فقر و فلاکت، خودکشی، کلیه فروشی و غوطه ور شدن در تباهی است.

دولت و کارفرمایان و جیره خوارانی تحت عنوان نماینده کارگر، با تعیین چنین مزد خفت باری و همچنین نبود هیچ تضمینی برای دریافت همین مزد و استفاده گسترده و هر روزه از نیروی سرکوب در مقابل حق خواهی ما کارگران، دست به اعلام جنگی آشکار برای به بردگی کشاندن بیش از پیش ما زده اند.

سرکوب خیزش بر حق مردم علیه فقر و گرانی در دی ماه سال گذشته - به هیچ انگاشتن مطالبات کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان، جوانان، زنان،

دانشجویان، دانشگاهیان و روشنفکران، دگراندیشان و صدها هزار مالباخته موسسات مالی وابسته به حوزه قدرت - متوسل شدن نهادهای انتظامی و امنیتی و استانداران و فرمانداران برای به کار واداشتن کارگران بدون دریافت مزد ماهانه با ضرب و زور سر نیزه (همچون هزاران کارگر نیشکر هفت تپه) - سیاست دولت در ایجاد شوک در بازار ارز و افزایش یک باره قیمت دلار به بالای شش هزار تومان و بر این بستر، خالی کردن جیب مردم و افزایش ۵۰۰ تومانی نرخ رسمی دلار - نابودی محیط زیست و منابع آبی کشور در نتیجه نبود هیچ اراده ای در میان حکومتگران برای جلوگیری از آن - تبدیل شدن بسیاری از شهرهای کشور به محلی برای مرگ تدریجی کودکان و پدران و مادران به دلیل پدیده ریزگردها (که همین روزهاست تمام کشور را دربرگیرد) و آلودگی آب ها و هوای آلوده و با توجه به از هم گسیختگی بیش از پیش شیرازه زندگی اجتماعی و اقتصادی سیاسی کشور در سطح کلان، ما کارگران را به این نتیجه می رساند که دیگر نباید به امید چیزی جز دست بردن به اعتراضات سراسری و نیروی متحدمان برای خلاصی از وضعیت جهنمی موجود بنشینیم.

اول ماه مه روز جهانی کارگر پیش روی ما کارگران است. این روز،

روز ماست. روز اعتراض و اتحاد ما علیه ستم و بردگی در سراسر جهان است. ما می توانیم و باید در جای جای کشور دستهایمان را در دست همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهایی از فقر و فلاکت، نیروی به هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان، معلمان، کشاورزان و عموم توده های آزاده مردم ایران، گام های تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مشقات و مصائب موجود و بن بست اقتصادی سیاسی کشور برداریم.

نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گرو اعتراضات سراسری ماست.

پیش به سوی اعتراضات گسترده در اول ماه مه (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر

۲۹ فروردین ۱۳۹۷

اتحادیه آزاد کارگران ایران انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

سندیکای نقاشان استان البرز کانون مدافعان حقوق کارگر کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای مستقل کارگری ایران

۲۷ فروردین ۱۳۹۷ اعتصاب در بانه و برپایی آکسیون اعتراضی با سفره خالی! علیه بیکاری

مردم شهر بانه ۲۷ فروردین مغازه ها را در اعتراض به بستن مرزها تعطیل کردند و کارگران بیکار در یکی از خیابانهای اصلی شهر با برپایی آکسیون سفره خالی به بیکاری و عدم تامین معیشت زندگی اعتراض دسته جمعی خود را به نمایش گذاشتند.

در چند ماه گذشته در شهرهای بانه، مریوان، پیرانشهر، پاوه، جوانرود و سردشت مردم در اعتراض

به بستن مرزها، شرایط نابسامان کولبران و بیکاری وسیع دست به اعتصاب زده اند.

خواستهای مردم در اعتصاب و تجمعات نارضیاتی از این قرار است: ۱- باز کردن مرزها که توسط جمهوری اسلامی و حکومت اقلیم کردستان عراق بسته شده اند.

۲- نام نویسی کامل از بیکاران، و تحت پوشش قرار دادن کارگران بیکار، فارغ التحصیلان

بیکار و کارگران اخراجی.

۳- ایجاد شغل مناسب برای کسانی که توانایی اشتغال دارند.

۴- تخصیص حقوق و مزایا برای آن دسته از کارگران و زحمتکشانی که در سن بازنشستگی قرار دارند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از اعتصاب مردم شهر بانه،

از همه مردم و از کارگران شاغل می خواهد که از این حرکت اعتراضی پشتیبانی کنند. همچنین از کارگران بیکار در شهرهای کردستان می خواهد برای دسترسی به بیمه بیکاری مکفی دست به اعتراضات وسیع و گسترده بزنند.

۲۷ فروردین ۱۳۹۷

۱۵ آوریل ۲۰۱۸

Yahsat
کانال جدید
KANAL JADID
فرکانس ۱۲۵۹۴
بلایزاسیون عمودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰
اف ای سی ۲/۳

کارگران بیکار! جوانان بیکار! کولبران! مبارزه علیه بیکاری را به شیوه کارگران بیکار در بانه تکثیر کنید!

مردم شهرهای بانه و جوانرود در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین مغازه ها را در اعتراض به بستن مرزها تعطیل کردند و کارگران بیکار در یکی از خیابانهای اصلی شهر با بریایی آکسیون سفره خالی به بیکاری و عدم تامین معیشت اعتراض دسته جمعی خود را به نمایش گذاشتند.

کارگران بیکار در بانه همزمان با اعتصاب در شهر، با اقدامی جمعی با نمایش سمبولیک سفره خالی در یکی از خیابانهای اصلی شهر بانه، اعتراض به بیکاری و ناامنی اقتصادی را به نمایش گذاشتند و سپس دست به راه پیمایی به طرف فرمانداری زدند.

مردم شهرهای کردستان قابل تکثیر است. در شهرهای کردستان نزدیک به ۷۰ درصد بیکاری وجود دارد. دهها هزار جوان دختر و پسر فارغ التحصیل فاقد موقعیت شغلی هستند. مبارزه با بیکاری و خواست کار یا تامین زندگی يك عرصه مهم مبارزه است.

کارگران! جوانان!
اقدام سمبولیک اعتراض به بیکاری در بانه را تکثیر کنید. در میدانهای اصلی و مرکزی شهرها با نمایش سفره های خالی مبارزه علیه بیکاری و ناامنی معیشتی را به نمایش بگذارید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران.
۲۷ فروردین ۱۳۹۷
۱۶ آوریل ۲۰۱۸

مردم مریوان هم به اعتراض علیه بیکاری پیوستند

امروز ۲۸ فروردین کارگران بیکار شهر مریوان در یکی از خیابان های اصلی شهر در اعتراض به فقر و بیکاری سفره خالی پهن کردند. این اعتراض در ادامه اعتراضی است که روز ۲۶ فروردین در شهرهای بانه و جوانرود شروع شده بود.

روز ۲۶ فروردین کارگران بیکار در بانه همزمان با اعتصاب در شهر، با اقدامی جمعی با نمایش سمبولیک سفره خالی در یکی از خیابانهای اصلی شهر، اعتراض به بیکاری و ناامنی اقتصادی را به نمایش گذاشتند و سپس دست به راهپیمایی به طرف فرمانداری زدند.

در همین روز جوانان بیکار در شهر جوانرود نیز با شروع اعتصاب علیه بستن مرزها، علیه بیکاری به راه پیمایی پرداختند.

اعتراض کارگران بیکار در مریوان، جوانرود و بانه با نمایش سفره های خالی، نمونه ای از اعتراض توده ای است که در کلیه شهرهای کردستان قابل تکثیر است. در شهرهای کردستان نزدیک به ۷۰ درصد بیکاری وجود دارد. دهها هزار جوان دختر و پسر فارغ التحصیل فاقد موقعیت شغلی هستند. مبارزه با بیکاری و خواست کار یا تامین زندگی يك عرصه مهم مبارزه است.

کارگران! جوانان! مردم شهرهای کردستان! بیکاری و ناامنی معیشتی را به نمایش بگذارید. کار یا بیمه بیکاری و تامین زندگی حق همه مردم در سراسر کشور است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران.
۲۸ فروردین ۱۳۹۷
۱۷ آوریل ۲۰۱۸

شهر سقز هم به اعتصاب عمومی پیوست

امروز ۲۸ فروردین شهر سقز هم به اعتصاب عمومی که در شهرهای کردستان در جریان است پیوست.

مردم شهرهای بانه و جوانرود در روزهای ۲۶ و ۲۷ فروردین مغازه ها را در اعتراض به بستن مرزها تعطیل کردند و امروز شهرهای مریوان و سقز هم به اعتصاب پیوستند. علاوه بر اعتصاب عمومی، مردم شهرهای بانه، مریوان و سقز دست به راهپیمایی در شهر زدند و به فقر و بیکاری اعتراض کردند. در بانه و مریوان و سقز مردم با پهن کردن سفره های خالی در خیابان به شیوه ای سمبولیک صدای اعتراض خود را علیه فقر و بیکاری اعلام کردند.

در شهر بانه همچنین حدود ۲۰۰۰ کارگر شهرک صنعتی این شهر روز ۲۷ فروردین علیه فقر و بیکاری و در همبستگی با اعتراضات جاری در بانه و شهرهای دیگر علیه بسته شدن مرزها دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب در شهرهای کردستان بخش از اعتراضات توده ای در سراسر کشور و نشانه قدرت و اراده قوی مردم در مبارزه علیه فقر و بیکاری و مبارزه علیه جمهوری اسلامی است.

اعتراض کارگران بیکار و مردم زحمتکش شهرهای مریوان، جوانرود، سقز و بانه با نمایش سفره های خالی، نمونه ای از اعتراض توده ای است که در کلیه شهرهای کردستان قابل تکثیر است. در شهرهای کردستان نزدیک به ۷۰ درصد بیکاری وجود دارد. دهها هزار جوان دختر و پسر فارغ التحصیل فاقد موقعیت شغلی هستند. مبارزه با بیکاری و خواست کار یا تامین زندگی يك عرصه مهم مبارزه است.

کارگران! جوانان! مردم شهرهای کردستان! بیکاری و ناامنی معیشتی را به نمایش بگذارید. کار یا بیمه بیکاری و تامین زندگی حق همه مردم در سراسر کشور است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران.
۲۸ فروردین ۱۳۹۷
۱۷ آوریل ۲۰۱۸

سایت حزب:

www.wpiran.org

سایت روزنه:

www.rowzane.com

سایت کانال جدید:

www.newchannel.tv

انترناسیونال

نشریه حزب کمیونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

کمک مالی

مهین علیپور ۳۰۰۰ کرون

fb.com/wpiran/

اعتصاب عمومی و اعتراض سراسری در شهرهای کردستان علیه فقر و بیکاری!

میخواهند و قصد کوتاه آمدن ندارند.

مردم آزادیخواه کردستان، کارگران و جوانان:

متحد و یکپارچه به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی ادامه دهید. حکومت قادر به مقابله با اعتراض همزمان و متحدانه شما نیست.

فعالین سیاسی و اجتماعی در شهر میتوانند نقش مهمی برای بسیج و سازماندهی اعتراض توده های وسیع مردم باشند. در شهرک های صنعتی و در محلات باید شروع به

ایجاد مراکزی برای سازماندهی مردم کرد. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری از مردم شهرهای

سنندج و بوکان و مهاباد، کامیاران و دیواندره و ریبط و پیرانشهر میخواهد به این موج قدرتمند اعتراض در شهرهای دیگر پیوندد.

اعتصاب و تجمعات اعتراضی باید به سراسر کردستان کشیده شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ فروردین ۱۳۹۷

۱۸ آوریل ۲۰۱۸

ها و وظایف را عادلانه تقسیم کنیم و به اعتراضات فعال و موثر گسترده مدنی خود ادامه دهیم."

اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و

برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری قدرتمندتری در سطح کشور در راه

است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند. اعتراضات

جاری در کردستان جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان

تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را

نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی

بانه، مریوان، سقز، سردشت و پیرانشهر در این روزها از نیت و هدف دولت حاصل کردیم این بوده است که شما به اعتراضات خود پایان

دهید و کار را به ما بسپارید! این هم یعنی هیچکس پاسخگو نیست و سفره فقر باید همچنان گسترده باقی

بماند. اما پاسخ ما باید ادامه اعتراضات سازماندهی شده به شیوه های مختلف تا رسیدن به حقوق مسلم و سلب شده مان باشد. ما

برای تامین یک زندگی ابتدایی و کار عادلانه و برابری در حقوق دست به اعتصاب زدیم. در صورتی که همه

متحدان و فعالان کنار هم قرار بگیریم و دست به یک اعتراض وسیع اجتماعی و مدنی نزنیم، بار سنگین این مبارزه برای کسب خواسته هایمان

به شدت بر دوش هم سرنوشتانمان یعنی معازدهاران و کسبی شهرها خواهد افتاد!

بنابراین نباید بگذاریم که هزینه سنگین تری بر دوش قشرها و کاسبکاران دیگر گذاشته شود و لازم است با تشکیل شوراهای و اتحادیه های کاسبکاران مسئولیت

بستن مرزها و بیکار شدن کولبران شروع شد اما بر متن فقر و بیکاری گسترده و خشم و ناراضی عمیق مردم مردم کل اوضاع فلاکتبار کنونی وارد مرحله تازه ای شد.

در اطلاعیه ای که توسط جمعی از کولبران و مردم شهرهای مریوان، بانه، جوانرود، اورامانات، سقز، سردشت، منطقه ترگور و مرگور و

پیرانشهر منتشر شده آمده است: "همه به این واقعیت ساده آگاه هستید که مسلود کردن مرزها، به معنی ممنوعیت معیشت در مرزها و

پایان دادن به تنها راه پیدا کردن لقمه ای نان شرافتمندان برای همه ما است. ما شاهد و شرکت کننده

چندین جلسه و نشست با مسئولین دولتی جهت حل معضل بیکاری و رفع انسداد مرزها و معابر کولبری بودیم. اما فرمانداران و نیروهای

امنیتی و همه مسئولین دولتی تنها بر همان وعده های همیشگی و غیر واقعی خود اصرار می ورزند و

نتیجه پایانی هر جلسه هم بکارگیری زبان تهدید سرکوب و خشونت است! نتیجه ای که ما در شهرهای جوانرود،

اعتصابی که در شهر بانه از روز ۲۶ فروردین شروع شد بسرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و به اعتصاب عمومی همراه با

راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره های خالی در خیابان ها در چندین شهر کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و

سرکوب به میدان آمده اند. یک روز پس از اعتصاب مردم در بانه، مردم شهرهای جوانرود، مریوان و سقز نیز به اعتصاب و

راهپیمایی پرداختند، کارگران شهرک صنعتی بانه دست به اعتصاب زدند و امروز ۲۹ فروردین مغازه داران

شهر پیرانشهر و مجتمع بزرگ تجاری و تفریحی الماس در شهر جوانرود به اعتصاب پیوست. امروز

همچنین در سردشت مردم قصد اعتصاب داشتند اما نیروهای امنیتی - نظامی حکومت مردم را

با زور و فشار مجبور به باز کردن مغازه ها کردند. اعتصاب در شهر بانه وارد چهارمین روز شد. در مریوان و سقز اعتصاب ادامه دارد. اعتصاب و اعتراض در ابتدا علیه

اعتصاب عمومی و اعتراض در شهرهای کردستان گسترش می یابد

حکومت قادر به مقابله با اعتراض همزمان و متحدانه شما نیست. فعالین سیاسی و اجتماعی در شهر

میتوانند نقش مهمی برای بسیج و سازماندهی اعتراض توده های وسیع مردم باشند. در شهرک های

صنعتی و در محلات باید شروع به ایجاد مراکزی برای سازماندهی مردم کرد. کمیته کردستان حزب

کمونیست کارگری از مردم شهرهای سنندج و بوکان و مهاباد، کامیاران و دیواندره و ریبط و پیرانشهر

میخواهد به این موج قدرتمند اعتراض در شهرهای دیگر پیوندد. اعتصاب و تجمعات اعتراضی باید به سراسر کردستان کشیده شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ فروردین ۱۳۹۷

۱۹ آوریل ۲۰۱۸

قدرتمندتری در سطح کشور در راه است و اعتصاب و اعتراض در شهرهای کردستان میتواند مانند

جرقه ای برای خیزش عظیم مردم در سراسر کشور عمل کند. اعتراضات جاری در کردستان جمهوری اسلامی

را به وحشت انداخته است اما مردم همانطور که اعلام کرده اند زبان

تهدید حکومت را نمیپذیرند. مردم سفره خالی و فقر را نمیپذیرند! بیکاری و ستم و تبعیض را

نمیپذیرند! صدها هزار نفر در کردستان بیکارند و خواهان کار یا بیمه بیکاری و تامین معیشت هستند. مردم رفاه و زندگی

بیمه بیکاری حمایت کرده اند و کارگران و جوانان بیکار را به اعتراض سراسری علیه بیکاری فراخوانده اند.

اعتصابی که در شهر بانه از روز ۲۶ فروردین شروع شد بسرعت به سایر شهرهای کردستان کشیده شد و

به اعتصاب عمومی همراه با راهپیمایی و اقدام سمبلیک نمایش سفره های خالی در خیابان ها در

شهرهای کردستان تبدیل شد. مردم علیه فقر و بیکاری و ستم و سرکوب به میدان آمده اند.

اعتصاب در شهرهای کردستان ادامه خیزش انقلابی مردم در سراسر کشور و نشانه قدرت و آمادگی مردم برای مبارزه علیه فقر و بیکاری و

برای پایان دادن به عمر ننگین جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی میدانند که اعتصابات عمومی و اعتراضات سراسری

با جلیلی اعلام کردند که از هیچ چیز نمیترسند و اگر لازم باشد هرکس روی مردم دست بلند کند را به سزای اعمالش خواهند رساند.

جوانان بیکار به جمهوری اسلامی هشدار دادند و موضع تعرضی و حق طلبانه ای را اعلام کردند. اعتصاب

سراسری و اعتراضات چند هزار از کارگران و جوانان بیکار لحن و دادخواهی مردم را علیه حاکمان

جنایتکار تعرضی تر کرده است. سعید جلیلی که با این فضا مواجه شد، با عجله شهرهای بانه و مریوان را ترک کرد.

۲۹ فروردین دانشجویان دانشگاه پیام نور مریوان با انتشار بیانیه ای مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتصاب و

اعتراض فراخواندند. در این اطلاعیه دانشجویان ضمن تاکید بر اهمیت اعتصاب، از خواست کار یا

اعتراض و اعتصاب در سقز، بانه، مریوان، جوانرود و پیرانشهر ادامه دارد.

دانشجویان پیام نور مریوان مردم شهرهای کردستان را به پیوستن به اعتراض سراسری علیه فقر و بیکاری فراخواندند.

نماینده خامنه ای در مریوان و بانه مورد اعتراض کوبنده جوانان قرار گرفت.

اعتصاب عمومی و راهپیمایی و تجمعات اعتراضی در چندین شهر کردستان، سقز، بانه، مریوان، جوانرود و پیرانشهر ادامه دارد.

اعتصاب و اعتراض مردم شهرهای کردستان در روزهای ۲۹ و ۳۰ فروردین وارد فاز جدیدی شده است. در مریوان و بانه مردم به وعده های

دروغین سعید جلیلی نماینده خامنه ای با اعتراضات کوبنده خود عکس العمل نشان دادند. جوانان رو در رو